

فقه الهدی



- سخن سردبیر _____ ۲
- دانش حقیقی _____ ۵
- آثار کنترل نگاه در خانواده _____ ۶
- معرفی مراکز پژوهشی _____ ۱۳
- احکام فقهی غنا و موسیقی _____ ۱۶
- معرفی پایگاه‌های اینترنتی _____ ۲۶
- سایت مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی: www.afiqh.org
- میراث زوجه _____ ۲۸
- معرفی شخصیت‌ها _____ ۳۳
- شیخ حر عاملی رحمته الله
- تنبیه کودک از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام _____ ۳۶
- جدول _____ ۴۸

فقه الهدی

گاهنامه علمی فقهی-اصولی

انجمن علمی پژوهشی فقه و اصول

معاونت پژوهش

سال اول - شماره اول - پاییز و زمستان ۱۳۹۳

مدیر مسئول: محمدمهدی صفورایی

سردبیر: سرکار خانم ساجده زرگوش

مدیر اجرایی: سرکار خانم بنکدار

مدیر هنری: کانون چاپ و گرافیک سحر

مشاوران و ارزیابان علمی: سرکار خانم سیفی و اعضای

انجمن علمی پژوهشی فقه و اصول

- فقه الهدی در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.
- آثار مندرج در نشریه تنها بیانگر نظرات نویسندگان آنها می باشد.
- نقل و اقتباس از مطالب نشریه فقط با ذکر مأخذ مجاز است.
- لطفا مطالب ارسالی را روی یک طرف کاغذ سفید، به همراه
نشانی کامل و تلفن تماس بنویسید.

نشانی: ایران، قم، خیابان انقلاب، مؤسسه آموزش بنت الهدی

صندوق پستی: ۳۷۱۵۸-۹۴۵۳۶

تلفن تحریریه: ۳۷۱۸۳۲۸۷-۰۲۵

امور مشترکان و توزیع: ۳۷۱۸۳۲۸۷-۰۲۵

نمابر: ۳۷۲۰۸۹۷۸-۰۲۵

feqh-oalhoda@yahoo.com



سخن سردبیر

ساجده زرگوش

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد وعلی آله الطیبین الطاهرین لاسیما بقیة الله المنتظر ارواحنا فداءه و لاحول و لا قوة الا بالله العلی العظیم .

خداوند بر همه ما منت گذارد و توفیق و حیاتی داد که ترم دیگری از سال تحصیلی را درک کنیم و گردهم جمع شویم و به امر تحصیل و طلب علم بپردازیم . در اهمیت علم و طلب آن همین بس که بگوییم اسلام از محیطی برخاست که محیط جاهلیت عرب بود یعنی مجموعه‌ای بود از بت پرستی و خرافات بسیار و خبری از علم و دانش در آنجا وجود نداشت اما عجیب است که اسلام از بزرگ‌ترین منادیان علم و دانش در جهان است و معجزه‌ی پیغمبر ﷺ که قرآن مجید می‌باشد، معجزه‌ای است که از مرکز خرافات و جاهلیت، بزرگ‌ترین و بلندترین ندای علم و دانش را پروراند. آیات قرآن و روایات، کلمات معصومین،



پیامبر اکرم ﷺ

۲

«اطلب العلم من المهد الی اللحد»

از گهواره تا گور دانش بجوی

خطبه‌های نهج‌البلاغه و دعا‌های امام سجاد ﷺ درباره‌ی علم، این‌ها را اگر جمع کنیم، یک دنیا مطلب می‌شود. همه چیز در اسلام حدی دارد ولی علم نامحدود است. نامحدود از نظر زمان، «اطلب العلم من المهد الی اللحد». از گهواره تا گور دانش بجوی، نامحدود از نظر مکان «اطلب العلم ولو بالصین»، آخرین نقطه آباد دنیا کشور چین بود؛ یعنی تا آخر دنیا بروید برای تحصیل علم و از اینجا معلوم می‌شود علم هم به معنای عام است. تمام علوم که جامعه بشری نیاز به آن دارد، نه فقط علوم دینی. برای اینکه در چین حوزه علمیه‌ای نبود که بروند علوم دینی را در آنجا فرا بگیرند. از نظر مقدار تلاش، «اطلبوا العلم و لو بخوض اللجج و شق المہج» امام صادق ﷺ فرمودند: علم را طلب کنید ولو خونتان در راه علم ریخته شود. ولو در اعماق دریاها فرو بروید؛ یعنی هر تلاشی برای تحصیل علم بجاست.

«الحکمة ضالة المومن»، علم و دانش گمشده آدم با ایمان است.

یعنی گمشده‌ام را هر جا که باشد می‌گیریم. پس علم وطن ندارد. اسلام از تمام جهات حدی برای تحصیل علم نگذاشته و این افتخار ماست.

اما در مورد حوزه‌های علمیه و علوم دینی که از چه زمان حوزه‌های علمیه تشکیل شد می‌توان گفت از زمان وجود خاتم انبیاء ﷺ وقتی آیه نفر نازل شد؛ «و ما کان المومنون لینفروا کافه فلولاً نفر من کل فرقه منهم طائفة لیتفقہوا فی الدین و لینذروا قومهم إذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون» (توبه آیه: ۱۲۲). رسماً پیغمبر اسلام ﷺ عده‌ای را دعوت کرد که طلاب علوم دینی بشوند. مسلمانان دو قسمت بشوند. عده‌ای بروند در جبهه جهاد با دشمن و عده‌ای در جبهه جهاد با جهل. علوم اسلام را فرا بگیرند و برادرانشان را که از جبهه برگشتند، به آنها بیاموزند. این آیه نفر می‌گوید که اولین حوزه علمیه در محضر پیغمبر تشکیل شد. دومین حوزه علمیه مسجد کوفه بود. با آن خطبه‌های شیوای امیرالمؤمنین ﷺ مردم می‌نشستند و می‌شنیدند

و می‌نوشتند و در همه جا پخش می‌کردند. رسید به امام باقر و امام صادق ﷺ. حوزه علمیه مدینه جایگاهش بسیار بالاست. چهار هزار نفر در محضر امام صادق ﷺ درس دینی را از عقاید گرفته تا فقه و اخلاق و عرفان اسلامی همه را فرا گرفتند، بعد ادامه پیدا می‌کند.

حوزه‌های علمیه که امروز در دست ماست، آسان به دست ما نرسیده است. فداکاری‌های عظیمی در این راه شده است. حوزه‌های علمیه، شهدای بزرگی چون شهید اول و شهید ثانی و شهید ثالث و شهدای دیگر داده است. در زمان‌های بعد در بغداد شیخ طوسی حوزه علمیه داشت که دشمنان کرسی او را آتش زدند جان‌ش به خطر افتاد و به نجف آمد.

هزار سال قبل پایه حوزه علمیه نجف را بنیان گذاشته شد. در قم هم در زمان معصومین حوزه علمیه وجود داشته است. فقهای و علمای قم حوزه علمیه داشتند و همین‌طور

۳

رسماً پیغمبر اسلام عده‌ای را دعوت کرد که طلاب علوم دینی بشوند. مسلمانان دو قسمت بشوند. عده‌ای بروند در جبهه جهاد با دشمن و عده‌ای در جبهه جهاد با جهل.

دانش حقیقی

سوسن دادرس
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: فقه خانواده



از آیت الله جوادی آملی پرسیدند: رمز موفقیت دانش‌آموز چیست؟
فرمودند:

«انسان اگر درس خواند و به خاطر این دانش، خود را برتر از دیگران دید، در حقیقت جهل انباشته است، اما اگر با افزایش علم، تواضعش نیز بیشتر شد، این خود ظهور علم است.

چه بسا درس ظاهری را که وسیله زندگانی اوست، در اواخر عمر از آدم بگیرند و انسان جاهل بمیرد. چه بسا فقیه دنیا، در آخرت بی‌سواد محشور شود.

علم حقیقی آن است که صاحبش را در آخرت نیز عالم محشور کند. چه بسا دانشمندانی که در اواخر حیات، در اثر کهنوت و بالا رفتن سن، آنچه را فرا گرفته‌اند به یاد نمی‌آورند و فراموش می‌کنند. پس علم حقیقی این نیست.»^(۱)

۱. محسن غرویانی، در محضر بزرگان، ص ۳۲.

کلام نغز از مقام معظم رهبری اشاره کنیم. ایشان فرمودند: «عنصر تحقیق و پژوهش در همه جا به صورت یک اصل در مجموعه کارها و فعالیت‌های حوزه باید مورد توجه قرار گیرد.»
موسسه آموزش عالی بنت‌الهدی (رض) نیز برای دست یافتن به اهداف بلند نسبت به مسئله پژوهش اهتمام بیشتری داده است و در این راستا مجله فقه‌الهدی با دربرگیری محورهای تازه و نوین، گام دیگری را در جهت ارتقاء سطح علمی و فقهی طلاب و پاسخ به پرسش‌های دینی و احکام مستحدثه برداشته و امید دارد با توجه و استقبال خوانندگان عزیز، روز به روز بر غنای خویش بیفزاید.

انجمن علمی- پژوهشی فقه و اصول از آغاز تشکیل همواره به دنبال ایجاد فضا و بستری برای عرضه آثار علمی و پژوهشی طلاب گروه فقه و اصول به علاقه‌مندان حوزه فقه مذاهب اسلامی بوده است. گاهنامه علمی فقه‌الهدی، حاصل تلاش و پیگیری انجمن علمی-پژوهشی فقه و اصول در راستای نهادینه کردن فرهنگ پژوهش میان طلاب و قرار دادن آثار آنان در برابر چشمان ارباب نقد و نظر است که با همکاری معاونت پژوهش موسسه آموزش عالی بنت‌الهدی (رض) به جمع مجلات علمی-پژوهشی خواهد پیوست. شماره نخست گاهنامه علمی-فقهی-اصولی فقه‌الهدی به ارائه آثار برخی از طلاب گروه فقه و اصول اختصاص یافته است. گاهنامه، برای غنا و شکوفایی بیشتر دست یاری کلیه طلاب به‌ویژه طلاب گروه فقه و اصول را گرم می‌فشارد و از مقالات پژوهشی آنان در حوزه فقه خانواده، فقه و اصول صمیمانه استقبال می‌کند. گاهنامه، همچنین با گشاده‌روی پذیرای انتقادات و پیشنهادات سازنده شماست.

تا در این عصر و زمان ما ادامه پیدا کرد. پس بنابراین ما شیعیان ریشه‌دارترین دانشگاه علمی در مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) را داریم و افتخار می‌کنیم.

با مطالعه تاریخ علم فقه مشاهده می‌کنیم که همواره فقیهان شیعه با ژرف‌اندیشی و باریک‌بینی در منابع معتبر شرعی، میراثی غنی و گران بها در ابواب مختلف فقه از خود برجای گذاشته‌اند؛ میراثی که با کاوش‌ها و پژوهش‌های علمی فقیهان معاصر روز به روز بر غنا و بالندگی آن افزوده می‌شود.

اهمیت و جایگاه پژوهش در هر علمی بر کسی پوشیده نیست. حوزه نیز به عنوان طلایه‌دار هدایت و پرچم‌دار معرفی دین مبین اسلام به عنوان یکی از اصلی‌ترین علوم انسانی از این قاعده مستثنی نیست و نخواهد بود.

اگر بخواهیم در یک کلام جایگاه و اهمیت پژوهش را در حوزه‌های علمیه مشخص کنیم باید به این

آثار کنترل نگاه در خانواده

ساجده زرگوش
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: فقه خانواده

همان‌گونه که انسان‌ها بر یکدیگر حقوقی دارند، اعضا و جوارح انسان نیز بر او حقوقی دارند که اگر امروز این حق رعایت نشود، فردا در موقع سؤال از اعضای بدن در مقام پاسخ‌گویی در دادگاه عدل الهی به یقین انسان شرم‌منده خواهد شد؛ چرا که اعضای بدن در مقام پاسخ‌گویی از هیچ چیز فرو گذار نخواهد کرد.

در تفسیر عیاشی از امام صادق (ع) در توضیح این حق چنین آمده است: خدای تبارک و تعالی ایمان را بر اعضا و جوارح بنی‌آدم فرض کرد و آن را بر تمام اعضا و جوارحش قسمت کرد از جمله این امر، دو چشم او است که با آن دو نگاه می‌کند. همچنین دو پای او که به وسیله آن دو راه می‌رود پس بر چشم فرض کرده که به سوی آن چه بر او حرام است نگاه نکند و از آن چه که خداوند نهی کرده چشم فرو پوشاند... و آن گاه به آیه شریفه استدلال فرمود: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾^(۱)



یکی از اعضای بدن که در قیامت مورد سؤال قرار خواهد گرفت چشم است. امام زین العابدین (ع) می‌فرماید: «و حق البصر أن تغضه عما لا يحل لك و تعتبر بالنظر به»^(۲) و اما حقی که چشم بر تو دارد این است که آن را فرو پوشانی از آن چه که بر تو حلال نیست و به وسیله آن از گذشته و حال عبرت بگیری. موضوع «نگاه»، از مسایل مهم و مورد نیازی است که در فقه اسلامی مورد کنکاش و تحقیق قرار گرفته و زوایای گوناگون آن بررسی شده است.

آثار کنترل نگاه بر خانواده

همه احکام و دستورات با توجه به مصالح و مفاسد موجود در آن صادر شده است. حکم کنترل نگاه نیز از این مطلب مستثنا نیست و به خاطر خیلی از مصالح، کنترل چشم از محرمات واجب شده است و یقیناً نگاه به محرمات ضررهای جبران ناپذیری داشته که بر ما حرام شده



است. البته ذهن محدود بشری توانایی فهم همه این مصالح و مفاسد را ندارد، ولی گاه در متون دینی به برخی از مصالح و مفاسد احکام اشاره شده و با عقل انسان بعضی از آن‌ها را درک می‌کند. در بیانات دینی علاوه بر آنکه مرزهای نگاه حرام ترسیم شده است، عوارض و پی آمدهای منفی نگاه آلوده و لجام گسیخته نیز تبیین گردیده است. قرآن کریم، با تعبیر کوتاهی ﴿ذَلِكْ أَزْكَىٰ لَهُمْ﴾^(۳) مهار کردن دیده را موجب

«پاکیزگی» دانسته است و سپس با جمله: خداوند به آنچه انجام می‌دهند خبیر است. ﴿إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ﴾^(۴) انسانها را به کنترل بیشتر چشم و مراقبت کامل تر فراخوانده است. تا همگان با توجه به بصیرت حق در هر حال و در هر جا، او را شاهد بصر خود دانسته و نیم نگاه یا گوشه چشمی را از او پنهان نپندارند، چرا که خداوند حتی بر اسرار، اغراض و حتی خطورات قلبی و اندیشه‌های پراکنده ذهنی نگاه کننده هم آگاه

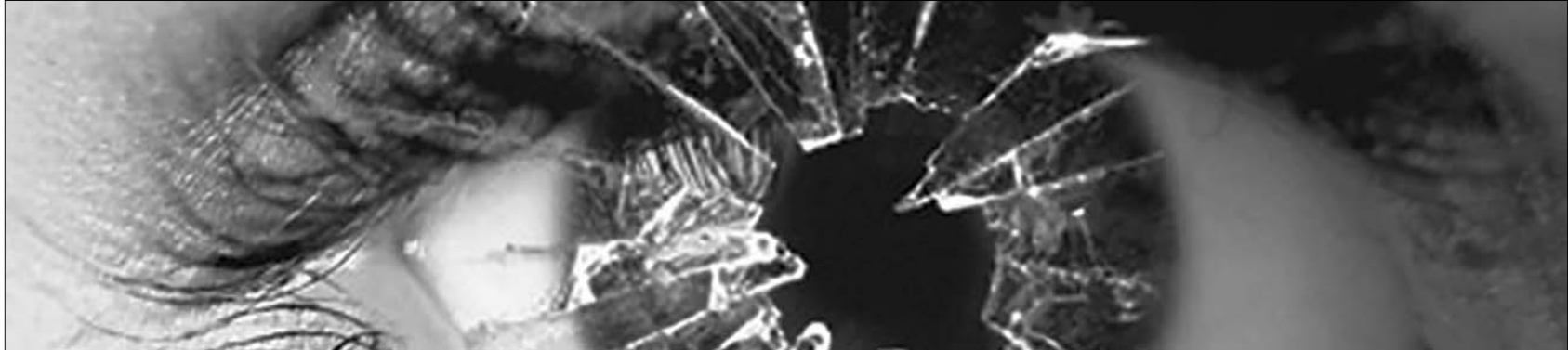


نگاه به

زیباییهای زنان،
تیری زهرآلود از
تیرهای شیطان
است.

است. در برخی از روایات از نگاه به نامحرم به «تیر زهرآلود ابلیس» یاد شده است: «النظر الی محاسن المرأة سهم مسموم من سهام ابلیس»؛^(۵) نگاه به زیباییهای زنان، تیری زهرآلود از تیرهای شیطان است. آیت الله خوئی؛ در توضیح این تشبیه که «نگاه»، «تیر شیطان» تلقی شده است، می‌گوید: هر تیری، «تیراندازی» دارد و «هدفی»، و تیرانداز با تیر خود هدف را نشانه می‌گیرد. در این گونه روایات آمده است که فرد نگاه کننده، تیری را که ابزار هدف گیری شیطان است به کار می‌گیرد هدف او آن است که اشخاص را با نگاه آلوده به ارتباط نامشروع جنسی وادار سازد.^(۶) برخی محققان دیگر، این روایات را چنین تفسیر کرده اند: شخصی که به نگاه ممنوع مبادرت می‌ورزد و به مواردی که نباید نگاه کند، چشم می‌دوزد، مورد تیر شیطان قرار گرفته است و شیطان با تیر مسموم خود او را شکار نموده و صید کرده است. پس ابلیس با تور نگاه و به وسیله تشویق

به چشم چرانی، افراد را به دام خود می‌اندازد و در چنگال خویش گرفتار می‌سازد. نگاه حرام، تیری است که از شیطان به قلب انسان اصابت می‌کند. افراد لابلایی، معمولاً نگاه را «عملی ساده در یک یا چند لحظه» تلقی می‌کنند و به آثار زیانباری که پس از آن می‌تواند بروز کند، اعتنایی ندارند. آنان نمی‌خواهند باور کنند که نگاه «قدم اول» است. آن هم قدمی که یک باره زیر پای انسان را سست می‌کند و قدرت تصمیم گیری درباره مراحل بعدی را از انسان سلب می‌کند. چرا که برای نگاه کردن، چشم در اختیار ماست و اراده بر آن مسلط است، ولی پس از نگاه «اراده» مغلوب و محکوم هوی و هوس قرار می‌گیرد. و به فرموده امام صادق (علیه السلام): چه بسا یک نگاه که حسرت طولانی به دنبال دارد. «کم من نظرة اورث حسرة طویلة.»^(۷) از سوی دیگر وقتی که دیده از زن مسلمان فرو خوابانده می‌شود



و چشم با خیرگی به او نمی‌نگرد احترام به او را اثبات می‌کند. بخصوص که زنان عفیف مسلمان با رعایت «حجاب»، بر این «حرمت نهادن» تأکید می‌ورزند و با پوشش خود نشان می‌دهند که نگاه مردان را به خویش نمی‌پسندند و با آن مخالفند. تعبیر «حرمت نگاه داشتن زنان» با ادب چشم پوشی، از روایتی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) استفاده می‌شود.^(۸) این موضوع از آن رو که در حوزه «افعال مکلفین» قرار دارد، از مسایل فقهی، شمرده می‌شود. در قوانین اسلامی، محدودیت‌هایی برای نگاه در نظر گرفته شده است. این محدودیت‌ها به خصوص در نگاه به جنس مخالف بیشتر است و بویژه در نگاه مردان به زنان تشدید شده است. نگاه در شرایطی که با توجه به وضع نگاه کننده و نگاه شونده، زمینه تلذذ جنسی و یا انحراف اخلاقی وجود داشته باشد، به طور کلی ممنوع می‌باشد. این محدودیت‌ها، دارای فلسفه‌های متنوع و کاملاً خردمندانه‌ای است که عقل سلیم و فطرت پاک، بدان رهنمون است. با رجوع به روایات و نگرشی در اوضاع اجتماعی می‌توان بعضی از آثار کنترل نگاه در خانواده را چنین بیان کرد:

۱- امنیت اجتماعی و تأثیر آن بر خانواده

ضرورت امنیت برای زنان، از اجزاء تفکیک ناپذیر یک جامعه سالم است. و بدون شک پوشش و نگاه، حریم اطمینان بخشی برای تأمین این نیاز اساسی تلقی می‌شود. همان‌گونه که حجاب و پوشش، نوعی «حریم» بین زن و مرد ایجاد می‌کند، پرهیز از هرزگی در نگاه و دوری از چشم چرانی نیز، «حریمی دیگر» در روابط این دو جنس به وجود می‌آورد. متأسفانه در دنیای کنونی که به این کمربند حفاظتی و امنیتی بهای لازم داده نمی‌شود، امنیت زنان بیش از گذشته در معرض خطر قرار گرفته و حضور اجتماعی زنان، مشکل را مضاعف کرده است و آیا از محیطی که جولانگاه

شهوت است می‌تواند انتظار امنیت ناموس داشت؟ و آیا به چشمان حریص می‌توان اعتماد کرد؟ قرآن به روشنی و وضوح نشان می‌دهد که زنانی که از پوشش مناسب و از متانت و وقار بیشتری برخوردارند، کمتر در معرض مزاحمت افراد سبک سر قرار می‌گیرند؛

قرآن
به روشنی
و وضوح نشان
می‌دهد که زنانی
که از پوشش
مناسب و از متانت
و وقار بیشتری
برخوردارند، کمتر
در معرض مزاحمت
افراد سبک سر قرار
می‌گیرند؛

اگر فردی چشم خود را کنترل نکند موجبات تحریک غریزه جنسی را به وجود می‌آورد، در نتیجه سبب فساد اخلاقی و رابطه نامشروع می‌شود.

۲- حفظ کیان خانواده و ارزشمند بودن همسر

حفظ کیان خانواده و احترام گذاشتن و ارزشمند بودن همسران برای یکدیگر از دیگر اثرات کنترل چشم است، اگر فرد چه مجرد و چه متأهل به چشم‌چرانی عادت کند همواره در زندگی به دنبال تنوع خواهد بود و به همسر خود قانع نخواهد شد در نتیجه نسبت به زندگی زناشویی و فرزندان خود بی‌اعتنا خواهد شد. وقتی افراد بخواهند با چشم‌چرانی خواسته‌های نفسانی و غریزه جنسی خود را ارضاء کنند نسبت به چیزهای حلالی که خداوند برایشان قرار داده قانع نخواهند بود و غریزه خود را مانند سد ترک خورده نمی‌توانند مهار کنند. عدم کنترل غرایز باعث ایجاد اختلافات خانوادگی و از هم پاشیدگی نظام خانواده خواهد شد.

۳. ارضاء شدن همسر

منشاء برخی از اختلافات خانوادگی،

مقایسه همسر خود با دیگران است و این مقایسه کردن نتیجه چشم‌چرانی است و اگر فرد چشم را کنترل نکند در واقع هوای نفس و شهوات را کنترل نکرده در صدد مقایسه همسر خویش با زنان دیگر بر می‌آید و در نتیجه انسان از همسر خویش ارضاء نمی‌شود.

۴- ایجاد صفا، صمیمیت و اتحاد در خانواده

از دیگر اثرات و نتایج مواظبت از چشم در برابر گناه صفا و صمیمیت در خانواده است، وقتی فرد برای رضای خدا در زندگی حرکت کند و به آنچه خداوند به او اعطا کرده قانع باشد همواره در زندگی خود آسودگی، صفا، صمیمیت و اتحاد در خانواده را خواهد داشت.

۵- جلوگیری از ایجاد روابط نامشروع

تمام افراد وظیفه دارند تا چشم خود را کنترل کنند، عدم کنترل چشم و دیگر اعضا سبب تحریک قوای



جنسی می‌شود. اگر فردی چشم خود را کنترل نکند موجبات تحریک غریزه جنسی را به وجود می‌آورد، در نتیجه سبب فساد اخلاقی و رابطه نامشروع می‌شود. برخی افراد از روی کنجکاوی مرتکب برخی از گناهان مانند چشم‌چرانی می‌شوند و به سبب زیبا جلوه دادن

شیطان به آن عادت می‌کنند، بعد از مدتی به این گناه اکتفا نکرده و در گناهای مانند برقراری رابطه نامشروع گرفتار می‌شوند. برداشتن مرزها و درهم شکستن قیود، طبیعت آدمی را هرزه و بی بند و بار می‌سازد و میل به «تنوع» را افزایش می‌دهد. درست است که با دیدن «یک عکس»، میل به دیدن آن کاهش می‌یابد، ولی میل به دیدن عکسهای دیگر، مضاعف می‌شود، پس از آنکه تأثیر «عکس» کاهش یافت، این عطش انسان را به هرزگیهای دیگر سوق می‌دهد. تقاضا برای بی بند و باری، خستگی ناپذیر است و هیچ گاه انسان را آرام نمی‌گذارد. کسی که می‌خواهد با نظربازی و چشم‌چرانی آرامش کسب کند، همچون نابخردی است که بخواهد آتش را با هیزم، سیر و خاموش سازد. اگر فردی گرفتار بیماری چشم‌چرانی شود تنها به این لذت نگاه کردن اکتفا نمی‌کند و اگر چشم آلوده شود بسیاری از

اعضای دیگر را نیز آلوده به گناه می‌کند. از امام صادق (ع) نقل شده است که حضرت عیسی به اصحاب خود فرمود: «از نگاه حذر کنید که تخم شهوت را در دل می‌کارد و برای فتنه صاحبش کافی است.»^(۱) حضرت رضا (ع) فلسفه حرمت نگاه به زنان را چنین بیان می‌کند: «این کار مردان را تهییج می‌کند و در اثر آن به فساد روی می‌آورند.»^(۲)

۶- جلوگیری از تنوع طلبی جنسی در زندگی

آسیب‌های روحی از آثار گناه چشم‌چرانی دانست و افرادی که گرفتار گناه چشم‌چرانی می‌شوند همیشه به دنبال تنوع بوده و بعد از تشکیل خانواده نیز نمی‌توانند این گناه را ترک کنند، دچار آسیب‌های روانی، روحی و مشکلات زناشویی در خانواده‌های خود می‌شوند.

۷- حفظ ناموس از نگاه هرزه

برداشتن مرزها و درهم شکستن قیود، طبیعت آدمی را هرزه و بی بند و بار می‌سازد و میل به «تنوع» را افزایش می‌دهد.

معرفی انجمن پژوهشی فقه و اصول

منیره سادات کراماتی
استاد و عضو گروه فقه و اصول



با یاری خداوند تبارک و تعالی، پنجمین سال از تشکیل و تأسیس انجمن علمی - پژوهشی فقه و اصول با برگزاری فعالیت‌ها و برنامه‌های مورد نیاز طلاب در حوزه فقه و اصول سپری می‌شود.

گزارش حاضر، حاصل فعالیت اعضای انجمن علمی - پژوهشی فقه و اصول با هدایت و پشتیبانی معاونت پژوهش و همکاری گروه علمی - تربیتی فقه و اصول و راهنمایی سرکار خانم کراماتی در سال ۹۲ می‌باشد.

یکی از وظایف انجمن برگزاری جلسات برای برنامه‌ریزی فعالیت‌های انجمن می‌باشد در این راستا انجمن جلسات مختلف داخلی و همچنین با حضور مسئولین برگزار نموده است. و همچنین در اجلاس سالانه مجمع عمومی انجمن‌ها شرکت نموده است.

این جلسات عبارت‌اند از:

- برگزاری ۶ جلسه داخلی برای برنامه‌ریزی فعالیت‌های انجمن

کسانی که به پشت زنان مردم نگاه می‌کنند ایمن نیستند از این که فرد دیگری همان نگاه را به پشت ناموس او بیندازد.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره نگاه‌های هوس‌آلود، به نتیجه و عکس العمل تکوینی آن نیز اشاره کرده و فرموده است: «عَفُوا عَنِ نِسَاءِ النَّاسِ تَعَفَّ نِسَاءُكُمْ»^(۱۳) در مورد زنان مردم عفت بورزید تا دیگران نیز در مورد زنان شما عفت بورزند و زنان شما از تعرض نامحرمان درامان بمانند.

از آنجا که ذهن ناقص بشر از پی بردن به همه علل تشریع احکام و همه آثار آن ناتوان است این آثار گوشه‌ای از تأثیرات کنترل نگاه بود که با نگرش در بعضی روایات و پیامدهای عدم کنترل نگاه در خانواده و اجتماع جمع‌آوری شد.

پی‌نوشت:

۱. سوره اسراء آیه ۳۶، طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، سوره اسراء، آیه ۳۶ ج

۱۵، ص ۱۰۱ و ۱۱۵.

۲. طبسی نجفی، محمدرضا، ذرایع البیان فی عوارض اللسان، ج ۱ ص ۲۰۶.

۳. سوره نور، آیه ۲۹.

۴. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۱۵، ص ۱۱۱.

۵. ابوالفتوح رازی، روض الجنان، ج ۱۴، ص ۱۲۴.

۶. خوئی، محمدتقی، مبانی عروة الوثقی کتاب النکاح (تقریرات آیت الله خوئی)، ص ۶۴.

۷. حر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

۸. حر العاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴۹.

۹. سوره احزاب، آیه ۵۹.

۱۰. ابن شعبه، حرانی، تحف العقول، ص ۳۰۵.

۱۱. شیخ صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۹۷.

۱۲. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۹۹؛ نوری، میرزا حسین،

مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۷۳.

۱۳. الکافی، ج ۵، ص ۵۵۴.

یکی از سنت‌های الهی این است: فردی که به ناموس دیگران به چشم شهوت نگاه می‌کند، باید بداند که چشمان ناپاک فرد دیگری، همان نگاه را نسبت به همسر، دختر، مادر یا خواهر او روا خواهد داشت.

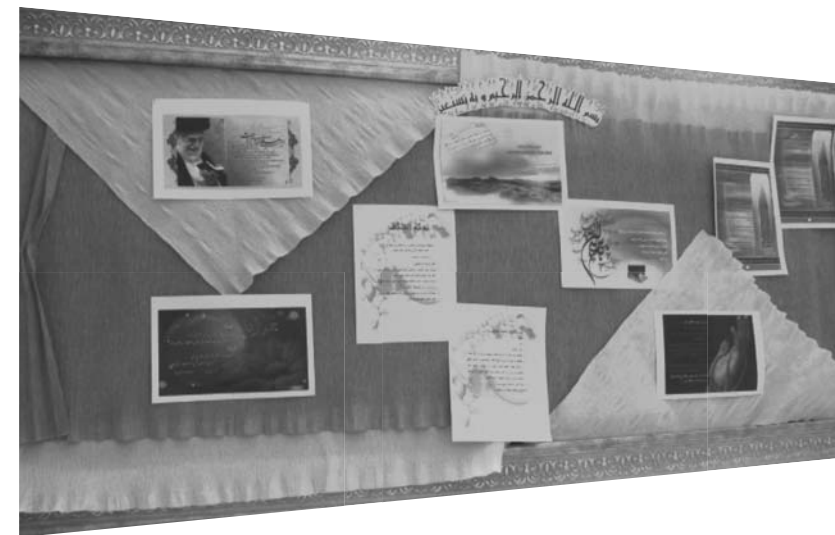
امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَا يَأْمَنُ الذَّيْنِ يَنْظُرُونَ فِي أَذْبَارِ النِّسَاءِ أَنْ يَنْظُرَ بِذَلِكَ فِي نِسَائِهِمْ»^(۱۴)



فقه‌اندیش
۱۳۸۷

۱۲

«در مورد
زنان مردم عفت
بورزید تا دیگران
نیز در مورد زنان
شما عفت بورزند و
زنان شما از تعرض
نامحرمان درامان
بمانند.»



و با ارائه کنفرانس و تحقیق از سوی
طلاب برگزار شد.

۴- منشورات علمی- پژوهشی
یکی از فعالیت‌های انجمن فقه
و اصول تدوین منشورات علمی
و پژوهشی می‌باشد، در این راستا
ویژه‌نامه‌آشنایی با بزرگان فقه و
اصول «شیخ انصاری» چاپ شده
است و به همراه آن مسابقه‌ای از
متن این ویژه‌نامه برگزار گردید.

۵- وبلاگ علمی- پژوهشی
انجمن علمی-پژوهشی فقه
و اصول جهت ارتباط بهتر
بیشتر با سایر طلاب و همسو با
پیشرفت‌های دنیای علم پژوهش،
اقدام به طراحی وبلاگی با آدرس
feghh-osool.blogfa.com نموده
است. این وبلاگ توسط اعضای
انجمن به روزرسانی می‌شود.

۶- تابلوی علمی- پژوهشی
این انجمن دارای تابلوی اطلاعاتی
مجزا در راهروهای مؤسسه است که
اعضای انجمن هر دو هفته یک بار
مطالب جذاب، علمی و تخصصی

رشته خود را بر آن نصب نموده و
گاهی نیز برای اطلاع‌رسانی مربوط
به فعالیت‌های انجمن از آن بهره
می‌گیرند.

۷- برگزاری نمایشگاه
به منظور معرفی و ارائه گزارش
عملکرد انجمن در سال ۹۱-۹۲ اعضا
انجمن فقه و اصول نمایشگاهی
در هفته پژوهش برگزار نمودند.

برنامه‌های آینده

انجمن فقه و اصول در نظر دارد
در سال جاری اقدام به برگزاری
کارگاه‌های مختلف از جمله کارگاه
بانکداری اسلامی و کارگاه بررسی
متون فقهی و اصولی و همچنین
کرسی‌های آزاداندیشی و نظریه‌پردازی
نماید. در ضمن مسابقات مختلف و
برگزاری اردوهای علمی و تفریحی از
برنامه‌های بعدی این انجمن می‌باشد.

دعوت به همکاری

از آنجاکه یکی از راه‌های به کار گرفتن علوم آموخته شده و شکوفایی
استعدادها و ظرفیت‌های موجود در طلاب ارائه آثار علمی و پژوهشی و
ادبی و فعالیت در قسمت‌های مختلفی مانند وبلاگ نویسی و نشریه و...
می‌باشد، انجمن علمی- پژوهشی فقه و اصول در راستای پیشرفت سطح
علمی طلاب و شکوفایی استعدادها و ظرفیت‌های موجود در طلاب از طرح‌ها
و پیشنهادات و انتقادات همه طلاب
استقبال می‌نماید و در

همچنین کسانی که مایل به عضویت
انجمن هستند می‌توانند به خانم
بنکدار و یا گروه فقه و اصول مراجعه
نمایند.

مسئولین نیز برای کسانی که در
انجمن و مسائل مربوط به آن
شرکت می‌نمایند، امتیازات
خوبی را در نظر گرفته‌اند
که خواهران می‌توانند با
مراجعه به خانم بنکدار از
میزان امتیازات و چگونگی
آن اطلاع یابند.



۱۴
یکی
از وظایف
انجمن برگزاری
جلسات برای
برنامه‌ریزی
فعالیت‌های انجمن
می‌باشد

۱۴
یکی
از وظایف
انجمن برگزاری
جلسات برای
برنامه‌ریزی
فعالیت‌های انجمن
می‌باشد

۱۴
یکی
از وظایف
انجمن برگزاری
جلسات برای
برنامه‌ریزی
فعالیت‌های انجمن
می‌باشد

۱- شرکت رئیس انجمن در ۹ جلسه شورای مرکزی با
حضور سرکار خانم بنکدار
۲- شرکت رئیس انجمن در جلسات متعدد با کارشناس انجمن‌ها و استاد
راهنمای انجمن سرکار خانم کراماتی.
۳- شرکت در جلسه مجمع رؤسای انجمن در ستاد.
۴- شرکت در اجلاس سالانه انجمن‌های علمی و ارائه گزارش.
فعالیت‌های انجام شده
پس از برگزاری جلسات متعدد و نیازسنجی طلاب رشته فقه و اصول
برنامه‌هایی در راستای بالا بردن سطح علمی- پژوهشی اعضای انجمن و
همچنین طلاب فقه و اصول اجرا شد.
۱- کارگاه‌های علمی- پژوهشی
۲- کارگاه روش تدریس احکام تطبیقی بحث تقلید
این کارگاه توسط سرکار خانم یوسفی به مدت سه ماه برای طلاب رشته فقه
و اصول برگزار شد.
۳- کارگاه روش تدریس احکام تطبیقی بحث دماء ثلاثه
این کارگاه نیز توسط خانم یوسفی به مدت ۴ ماه برای طلاب رشته فقه و
اصول برگزار شد.
کارگاه‌های مذکور با روش تطبیق بین کتاب عروة الوثقی و تحریر امام خمینی

پیامدهای غنا و موسیقی حرام بر فرد و خانواده

بتول السادات علوی
مقطع تحصیلی: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: فقه خانواده

مقدمه:

دین اسلام به عنوان کامل ترین دینی است که خداوند برای انسان به ارمغان آورده است که برای تمامی افعال انسان حکمی دارد و انسان ملزم است به تمامی دستورات تبعیاً پایبند باشد.

یکی از احکامی که برای ما قرار داده شده و مبتنی بر مصالح و مفاسد است استماع موسیقی است. موسیقی حرام برای انسان مضراتی را در پی دارد و به تبع آن بر خانواده و اجتماع تأثیر نامطلوب می گذارد و از آنجا که خانواده یکی از ارکان مهم تربیت و رشد انسان است باید دید موسیقی حرام چه تأثیری بر انسان و به تبع آن بر خانواده دارد؟

انواع موسیقی کدام است؟ چه نوع موسیقی حرام است و ادله حرمت آن چیست؟ ملاک حرمت موسیقی چه می باشد؟ هدف از این تحقیق شناخت ماهیت موسیقی و تأثیرات منفی آن بر انسان و خانواده است. دانستن این تأثیرات کمک می کند که خانواده ها سعی



کنند که خود را از این پدیده نامطلوب حفظ کنند تا خطری از این ناحیه متوجه زندگی دنیوی و اخروی آن ها نشود.

پیشینه:

بحث موسیقی و غنا موضوعی است که از دیرباز به آن پرداخته شده و از جنبه های گوناگون مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. کتاب ها و مقالات فراوانی نیز در این باره به رشته تحریر در آمده است که به زوایای مختلف این موضوع پرداخته است. اما طی بررسی های انجام شده کتاب و یا پژوهشی با عنوان تأثیرات موسیقی حرام بر خانواده یافت نشد. البته کتاب هایی در دست می باشد که از منظر دیگری به موضوع موسیقی پرداخته اند که عبارت اند از:

۱- کتابی با عنوان آواز موسیقی از دیدگاه اسلام نوشته دکتر یوسف قرضاوی، کتابی بسیار ارزشمند که در مورد مسئله موسیقی به طور استدلالی کار شده است.
۲- انسان، غنا، موسیقی، نوشته احمد شرفخانی خوبی که در آن به مسئله موسیقی پرداخته شده است مشتمل بر آیات قرآن در مورد غنا، موسیقی در شرع اسلام، از نظر پزشکی و... کار شده است. و در آخر دیدگاه ها و استفتائات علماء در مورد موسیقی می باشد.

۳- کتاب جوان و موسیقی نوشته محمد جواد بستانی، را که مشتمل بر موسیقی، آثار دنیوی، و اخروی آن، دیدگاه های بزرگان و اندیشمندان، احکام و استفتائات و... می باشد.

وهم چنین کتاب های دیگری که به موضوع مهم موسیقی پرداخته اند که ذکر آن ها از حوصله این نوشتار خارج است.

مفهوم شناسی:

مفهوم موسیقی در لغت: موسیقی مأخوذ از یونانی فن آواز خواندن و نواختن ساز، آهنگی که موجب حزن یا نشاط و محرک احساسات باشد به عربی مو

سقا تلفظ می کنند.^۱

فن موسیقی، فن آهنگ ها و چیزهایی است که آهنگ ها را به هم مرتبط می کند و موجب کمال و زیبایی آهنگ هایی می گردند؛^۲ به عبارت دیگر، آهنگ هایی است که از آلات موسیقی متناسب با قواعد موسیقی که در اصطلاح اهل موسیقی «نت» به آن ها می گویند، خارج می شود. در اصطلاح عبارت است: از اصوات و آهنگ هایی که انسان را در عالمی که برای او قابل توصیف نیست، سیر می دهد و چنان

۱. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۱۱۷۶.

۲. ابونصیر فارابی، الموسیقی الکبیر، ص ۴۹.

و چنان بر اعصاب آدمی مسلط می شود که گاهی می خنداند و گاهی می گریاند، و گاهی اعضا و جوارح را بدون اختیار به حرکت در می آورد.

۳. اولیائی، احمد، نگاهی به موسیقی، ص ۹.
۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، ص ۹۳۵.



براعصاب آدمی مسلط می شود که گاهی می خنداند و گاهی می گریاند، و گاهی اعضا و جوارح را بدون اختیار به حرکت در می آورد. زمانی تهیج عشق و شهرت می کند و آدمی را برده و غلام خود ساخته و بر اعصاب و فکر، عقل و روانش فرمانروائی می کند.^۲

مفهوم غنا

غنا در لغت: صوت طرب انگیز، آواز خوش، سرود غنائی.^۴ غنا صدایی

است که همراه با ترجیع و زیر و بم باشد، به گونه ای که طرب انگیز و شادی آفرین باشد و یا در عرف «غنا» نامیده شود، اگرچه طرب آور نباشد، خواه قرائت قرآن یا شعر باشد، خواه غیر این ها.^۵

در اصطلاح: غنا عبارت است از آوازی که آدمی از طریق آن به وجد می آید. به عبارت دیگر دارای موسیقی خاص است که نفس آدمی را تحت تأثیر قرار می دهد و دارای دو ویژگی ترجیع و طرب انگیزی است.^۶

ترجیع

ترجیع چرخاندن صدا در گلو است همان گونه که صاحبان آهنگ می خواندند؛^۷ به عبارت دیگر آهنگ دادن به صدا، زیر و بم و چهچهه صدا.

۵. فخرالدین طریحی، مجمع البحرين، کلمه غناء...
۶. اقرب المورد، شرتوتی، ج ۲، ص ۸۹۰، ماده ی غناء.
۷. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح المسمی تاج اللغة و صحاح العربیه، کلمه ترجیع

طرب

حالتی است که در اثر غم یا شادی به انسان دست می دهد، به گونه ای که حرکات سبک و دور از وقار و متانت از او صادر گردد.^۸

انواع موسیقی:

موسیقی به دو دسته طبیعی و هنری یا مصنوعی تقسیم می شود. موسیقی طبیعی عبارت است از اصواتی که از طبیعت شنیده می شود. مانند صدای برگ ها یا آواز پرندگان. موسیقی هنری عبارت است از آهنگ هایی که انسان با وسایل مصنوعی همچون گیتار می سازد. آهنگ های طبیعی دارای سیر ملایم و یکنواخت هستند لذا همواره برای انسان جذاب است ولی آهنگ های مصنوعی دارای ارتعاشات گوناگون هستند و لذا به نسبت این ارتعاشات اعصاب انسان از آن اثر می پذیرد که این اثرات زیان بخش هستند.

موسیقی از لحاظ فقهی نیز به ۸ محسن جابری عوبلو، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، کلمه طرب

موسیقی حلال و حرام تقسیم می شود هر نوع از موسیقی خواه طبیعی و خواه مصنوعی در صورتی که حالت طرب انگیز داشته باشد حرام شناخته می شود.

حضرت آیت الله خامنه ای (حفظ الله):

غنا یعنی ترجیع صدا به نحوی که مناسب با مجالس لهُو باشد که از گناهان بوده و برخواننده و شنونده حرام است ولی موسیقی نواختن آلات آن است.^۹

حضرت آیت الله صافی گلپایگانی (حفظه الله):

غنا عبارت است از آوازی که مشتمل بر ترجیع و صوت طرب انگیز و مناسب با مجالس طرب باشد و موسیقی گاه بر غنا و گاه بر آلات مختلف موسیقی مانند سنتور، تار و... اطلاق می شود.^{۱۰}

حضرت آیت الله فاضل لنکرانی (رحمة الله):

غنا عبارت است از آوازی که در آن صدا را در گلو می گردانند که به زبان عرفی چهچهه می گویند و طرب انگیز هم باشد و مناسب با مجالس لهُو و لعب باشد.^{۱۱}

با توجه به تعریف لغوی و اصطلاحی غنا و موسیقی این بزرگواران تعریف آیت الله خامنه ای نزدیک تر به تعریف ما می باشد.

ادله حرمت موسیقی لهُوی و غنا:

الف: آیات

- ۱- ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ﴾^{۱۲}.
- با توجه به روایات بدست آمده از معصومین (ع) در این آیه قول زور به نوازندگی های هیجان انگیز و طرب آور معنا شده است.^{۱۳}
۹. حسینی، خامنه ای، علی، رهبر معظم انقلاب، اجوبه الاستفتائات فص ۲۵۰، م ۱۱۳۸.
۱۰. محمودی، محسن، مسائل جدید از دیدگاه علماء و مراجع تقلید، ص ۴۹.
۱۱. فاضل لنکرانی، محمد، جامع المسائل، م ۹۷۴ و ۹۷۸، ص ۲۵۲.
۱۲. حج، آیه ۳۰.
۱۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۵.

موسیقی طبیعی عبارت است از اصواتی که از طبیعت شنیده می شود مانند صدای برگ ها یا آواز پرندگان.



دور از انحرافات باشد. خانواده اولین کانون در جهت رشد و تعالی انسان است. و اگر فردی و یا تمامی افراد خانواده دچار استماع موسیقی حرام باشند به طور قطع سعادت انسان از همان قدم های نخستین با مشکل مواجه می شود.

۲) گرایش به فساد

غنا و آواز مطرب و لهوی انسان را به سوی شهوت و فساد اخلاقی می کشاند و از راه های پرهیزگاری بازمی دارد. در حدیثی از نبی اکرم ﷺ آمده است: **الغنا رقية الزنا**; غناء نردبان زناست^{۲۰} و پیشرفت جامعه ای در گرو پاکی خانواده است. و از آنجایی که جامعه متشکل از نهادهای کوچک خانواده است سلامت آن با سلامت خانواده های درون آن رابطه ای مستقیم دارد اگر قرار باشد عاملی مثل استماع موسیقی حرام اعضای خانواده را به فساد بکشانند رشد خانواده از بین می رود و هر فردی می تواند فقط قدم در راه ارضای غرایز شهوانی خود بردارد و کم کم این عامل به جامعه نیز کشانده می شود و موجب مختل شدن پیشرفت آن می شود و راه سلطه بیگانگان بر این جامعه هموار می شود.

۳) قساوت قلب

یکی از آثار شوم موسیقی پدید آمدن قساوت قلب بر انسان می باشد و مؤید این کلام سفارش رسول اکرم ﷺ به حضرت علی (ع) می باشد که به ایشان فرموده اند: یا علی سه کار دل را سخت می کند. گوش دادن به آواز موسیقی

استماع موسیقی لهوی می باشند.

تأثیر موسیقی حرام بر خانواده

مهم ترین بخش این نوشتار اثرات موسیقی بر روح و جسم انسان است. و موسیقی هرگونه که انسان را تحت شعاع قرار دهد خانواده را نیز به همان صورت تحت تأثیر خود قرار می دهد. اینک تأثیر آن هم از جنبه دینی و فقهی و هم از جنبه پزشکی مورد بررسی قرار می دهیم:

۱) گمراهی و غفلت از خدا

از بزرگ ترین آثاری که برای موسیقی ذکر شده است دور شدن از یاد خداست. قرآن در سوره لقمان یکی از عوامل گمراهی و ضلالت را **لَهُوَ الْحَدِيثُ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ**

خداوند هدف از خلقت انسان را رسیدن به رشد و سعادت انسان پیوسته باید به یاد خداوند و به

در روایات معصومین (ع) لهو الحدیث به غنا و آهنگ های مطرب و فساد انگیز تفسیر شده است.^{۱۷}

ب) روایات

اخبار در زمینه حرمت غنا و موسیقی فراوان است به طوری که صاحب جواهر در آن ادعای تواتر کرده است.^{۱۸}

۱- قال رسول الله ﷺ پنج طائفه هستند که خدای سبحان به آن ها در روز قیامت نگاه نمی کند تا جایی که فرموده اند یکی از آن ها اهل موسیقی است.^{۱۹}

۲- پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: درامت من فرو رفتن در زمین و سنگ باران ظاهر می شود یاران گفتند: یا رسول الله چه وقت این طور می شود؟ حضرت فرمودند: هرگاه آلات موسیقی، زنان خواننده و شراب خواری در میان اتم آشکار گردد. و هم چنین روایات فراوان دیگری وجود دارد که دال بر حرمت^{۱۷}. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۱-۲۲۶. ۱۸. جواهر الکلام، ج ۲۲، ص ۴۹. ۱۹. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۲۲.

در این آیه نهی از گوش دادن به لهو و آوازهای باطل بر ردیف نهی از پرستش بتان قرار داده شده است. که این خود حاکی از فساد عظیم آن و نقش بالای آن در گمراهی و ضلالت را پرستش خداوند و خضوع در برابر آئین الهی است. ۲- باز قرآن در وصف مؤمنان و بندگان شایسته خداوند می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾^{۱۴} مقصود از زور در این آیه نیز همان آهنگ ها و خوانندگی های مطرب و گمراه کننده است.^{۱۵}

۳- در قران کریم آمده است ﴿مِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾^{۱۶}

۱۴. فرقان، آیه ۷۲.

۱۵. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۱-۲۲۶، مستدرک، ج ۲، ص ۴۵۸-۴۵۷.

۱۶. لقمان، آیه ۶.



پیامبر اکرم ﷺ
فقران

۲۰

در روایات

معصومین (ع) لهو الحدیث به غنا و آهنگ های مطرب و فساد انگیز تفسیر شده است.

۲۱

شاید

بتوان گفت که

حرمت غنا بر سر

حد استفاضه رسیده

است. و می توان

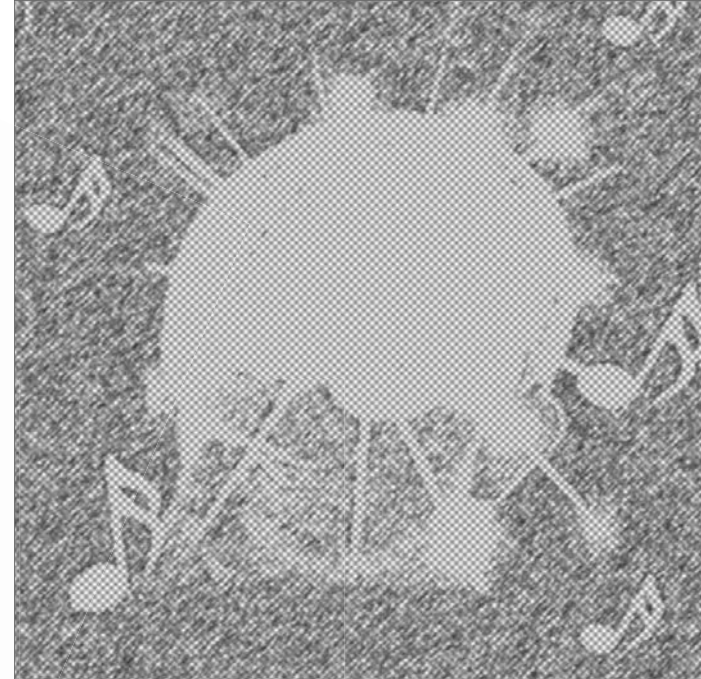
گفت غنا به گونه ای

قطعی است. حرمت

آن از ضروریات دین

به شمار می آید.

۲۰. بحار الانوار، مجلسی، محمد باقر، ج ۷۹، باب ۹۹، ص ۲۴۷، ج ۲۶



باشند اما در باطن فرسنگ ها از هم دور باشند. بنای خانواده متزلزل می شود. و یکی از علت های بوجود آمدن نفاق در میان افراد خانواده استماع موسیقی حرام است.

۵) از بین رفتن غیرت

کسی که ۴۰ روز در خانه اش بربط (نوعی تار) نواز و در مردمان براو وارد شوند شیطان به نام قفندر اعضای خود را به تمام اعضای بدنش مس می نماید پس غیرت از آن مرد برداشته می شود تا به حدی که با زناش اگر فعل قبیحی کنند بدش نمی آید.^{۲۳} با این روایت شاید بتوان به یکی از عوامل اصلی رواج بدحجابی و فحشاء در جامعه پی برد چراکه براساس این روایت به هر مقدار موسیقی در جامعه رواج پیدا کند غیرت از مردان زایل شده و نسبت به بدحجابی و تعرض نامحرمان به ناموسشان

۲۳. همان، کتاب تجارت، باب ۱۰۰، ج ۲، ح ۱۲ و کافی، ج ۶، ص ۱۶۵۵، ح ۱۴.

و شکار و به دربار سلاطین رفتن.^{۲۱} نتیجه قساوت قلب اثر نکردن پند و موعظه در قلب آدمی است. خداوند خانواده را به عنوان پناهگاهی آرام برای انسان در جهت رشد و کمال و رسیدن به سعادت قرار داد. یکی از عوامل برهم زنده آرامش در خانواده ها قساوت قلب است قساوت قلب باعث بی مهری اعضای خانواده نسبت به یکدیگر می شود. گویی هیچ علقه و پیوندی بین اعضای آن نیست. آیا چنین خانواده ای می تواند پلکان صعود انسان به طرف سعادت و رستگاری باشد.

۴) نفاق

در حدیثی حبیب صیداوی می گوید: شنیدم از اباعبدالله علیه السلام که فرمود: نواختن با غودها از ابزار موسیقی لاهی نفاق را در دل می رویاند همچنان که آب موجب رویش سبزه می شود.^{۲۲} زیربنای یک خانواده سالم باید براساس مهر و محبت و یکدلی باشد. یکی از عواملی که می تواند این یکرنگی را از بین برد نفاق است. اگر در خانواده ای صمیمیت از بین رود و قلب ها آن چنان تیره شود که تنها در ظاهر به هم نزدیک

۲۱. نصاب، فیض کاشانی، علی اکبر، ترجمه آیت الله احمد جنتی، ص ۱۲۴.
۲۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۳.



بی تفاوت تر می شوند.

۶) از بین رفتن حیاء

در حدیثی از امام صادق علیه السلام است که کسی که در خانه اش چهل روز بربط نواخته شود خداوند متعال شیطان را به نام قفندر بر او مسلط می کند که عضوی از اعضاء وی باقی نماند مگر اینکه او را در بر می گیرد و هنگامی که این گونه شد حیا از او گرفته می شود. به گونه ای که نسبت به آنچه به او گفته می شود بی تفاوت می گردد.^{۲۴}

غیرت و حیاء مانند دو ستون اصلی کانون خانواده به حساب می آید هنگامی که این دو رکن به واسطه عاملی مثل موسیقی حرام از بین روند به منزله فروپاشی کلی خانواده است.

۲۴. همان، ص ۲۳۲، ح ۲ و کافی، ج ۶، ص ۱۶۵۵، ح ۱۰.

اثرات موسیقی از نظر پزشکی

۱) ضعف اعصاب

دکتر آرنولد فرریانی پزشک بیمارستان نیویورک: یکی از عوامل مهم خستگی های روحی و فکری و سردردهای عصبی، گوش دادن به موسیقی رادیو است مخصوصاً برای کسانی که به موسیقی آن بیشتر توجه می کنند.^{۲۵}

پس اگر استماع موسیقی باعث ضعف اعصاب می شود اگر خانواده ای به موسیقی های لاهی گوش بدهند دچار ضعف اعصاب می شوند و صبر و تحمل و بردباری از افراد آن سلب می شود و با کوچک ترین حرفی بین افراد خانواده تنش ایجاد می شود.

۲) از بین رفتن قوه تفکر

موسیقی به وسیله ارتعاشات خود اعصاب را تحت تأثیر خود قرار داده و کم کم بر قوای ادراکی چیره می شود. هر نهادی باید با قوه تدبیر و تفکر و تقل مدیریت شود خانواده نیز به عنوان یک نهاد اجتماعی از این قاعده مستثنی نیست. هنگامی که قوه تفکر و تدبیر در خانواده به واسطه گوش دادن به موسیقی حرام از بین رود جریان خانواده در مسیر صحیح خودش نخواهد بود و به هر سمت و سویی خواهد رفت و در نتیجه به بیراهه رفتن روشن و واضح است.

۲۵. سلامتی و طول عمر در احکام اسلام، طاهری، مهدی، ص ۸۲ و ۸۳.

ارتعاشات
موسیقی تعادل
سیستم اعصاب
را به هم می‌ریزد
و موجب ضعف
اعصاب می‌شود.

۳) جنون و دیوانگی

یکی از موهبت‌های الهی به انسان عقل و ادراک است. برای حفظ نظام خانواده عقل و ادراک اعضای آن نیازاست. استماع موسیقی حرام این نعمت را از انسان سلب می‌کند و به جای آن جنون و دیوانگی را به انسان می‌بخشد.

۴) افسردگی

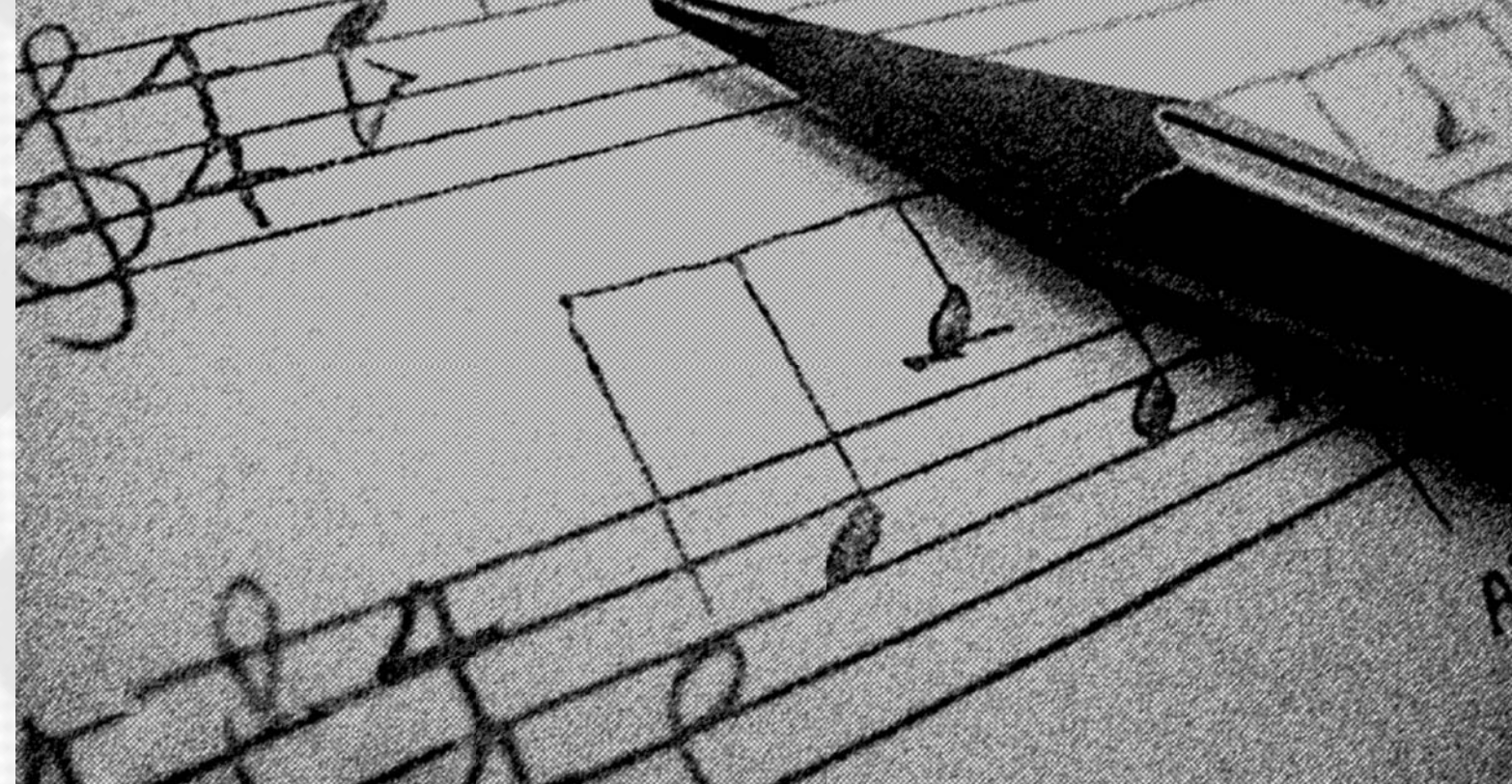
کسی که در موسیقی غوطه‌ور شد حالت خمودگی و افسردگی یکی از حالاتی است که بر او عارض می‌شود.

۵) ضعف چشم

از جمله حساس‌ترین اعصاب اعضای بدن چشم‌ها و گوش‌ها هستند، ارتعاشات موسیقی تعادل سیستم اعصاب را به هم می‌ریزد و موجب ضعف اعصاب می‌شود و ادامه عملکرد ضعف اعصاب موجب تأثیرات منفی در سایر اعضای حساس و در نتیجه باعث ضعف چشم و حتی کوری می‌شود.

۶) فشارخون

یکی دیگر از عوارض موسیقی پیدایش بیماری فشارخون است که البته این هم عوامل مختلفی دارد و موسیقی یکی از آن عوامل است. این‌ها بخشی از مضرات موسیقی بود چراکه موسیقی عواقب دیگری نیز به همراه دارد که به جهت جلوگیری از اطاله کلام به همین مقدار بسنده و از توضیحات بیشتر خودداری می‌نماییم.



وظیفه خانواده در برخورد با

موسیقی حرام

وظیفه خانواده در قبال مسائل عقیدتی و اخلاقی فرزندان و حتی زن و شوهر نسبت به هم بسیار مهم و حیاتی می‌باشد تا جایی که هر فرد خانواده باید سایر اعضای خانواده را دعوت به خیر و او را از اموری که از نظر شرع اسلام مذموم و ممنوع است نهی کند.

با توجه به مطالبی که پیرامون تأثیرات موسیقی حرام ذکر شد وظیفه خطیر خانواده در برابر این پدیده نامطلوب امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. البته در نهی از منکر لازم است چند نکته مورد توجه قرار گرفته و مراعات شود تا تذکر مؤثر واقع شود.

۱ - حسن برخورد

قرآن مجید خطاب به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «ای پیغمبر به بندگانم بگو که با مردم نیکوترین وجه صحبت نمایند»^{۲۶}

۲۶. اسراء، آیه ۵۳.

۲ - جلب اعتماد

ارشاد و راهنمایی افراد خانواده بلکه تمام افراد جامعه در صورتی با موفقیت انجام می‌گیرد که اعتماد فرد مقابل جلب شود.

۳- در نظر گرفتن وضع روحی و روانی

اصل مهم در هدایت و راهنمایی یا امر به امر معروف و نهی از منکر شناخت افراد است هر فرد از خانواده در موقعیت هدایت و تربیت قرار گرفته است لازم است پیش از هر اقدامی فرد خطاکار را بشناسد آنگاه بر پایه ویژگی‌های فردی، روحی وی با او سخن بگوید تا زحمات و حرف‌هایش هدر نرود.

۴ - محترم شمردن عقاید افراد

فرد ممکن است استماع موسیقی حرام را بر اساس یک سری عقاید انجام دهد بنابراین نباید به طور تند و توهین‌آمیز به عقاید او برخورد نماید چنانچه دلیلی برای کار نادرستی خود ارائه می‌دهد آن را بشنود و سپس با دلیل و استدلال سخن بگوید.

کتاب نامه

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. جواهر الکلام، محمد حسن نجفی
۴. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی
۵. مستدرک الوسائل، حسین نوری
۶. کافی، کلینی
۷. بحار الانوار، مجلسی
۸. بررسی فقهی پدیده غنا، ماهیت و حکم آن، عبدالهادی، فضلای، محمد هادی، معرفت، ترجمه مجتبی خراسانی دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۸۵.
۹. موسیقی و غناء از دیدگاه اسلام، محمد اسماعیل ف، نوری، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۵.
۱۰. چالش فقر و غناء در کشورهای سرمایه‌داری، ناصر، جهانیان، اندیشه جوان، تهران، ۱۳۸۲.
۱۱. الغنار المعارف فی الاعلام المعاصر و حکمهای الاسلام، محمد عبدالرحمن المرعشی، دار المعرفة، بیروت ۱۴۲۷ ق، ۲۰۰۶ م، ۱۳۸۵ ش.

معرفی پایگاه‌های اینترنتی سایت مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر طبق مذهب اهل بیت علیهم السلام www.afiqh.org

ساجده زرگوش
مقطع: کارشناسی ارشد
رشته: فقه خانواده

مؤسسه دایرة المعارف فقه شیعه

رهبر فرزانه انقلاب اسلامی در سال ۶۹ ضمن ابلاغ حکمی به آیه الله سید محمود شاهرودی مبنی بر کمبود مجموعه ای که حاکی از همه ابواب و انظار و مؤلفات فقه مکتب اهل بیت باشد، مسئولیت ایجاد و اداره مؤسسه‌ای برای تهیه‌ی این دایرة المعارف را به ایشان محول نمودند تا با همکاری علمای بزرگوار و فضلالی ممتاز حوزه‌های علمیه، این خدمت ماندگار را به انجام برسانند. در پی صدور حکم یاد شده حضرت آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی را در تاریخ ۱۳۶۹/۱۱/۲ تأسیس و با جذب تعدادی از پژوهشگران و تربیت یافتگان حوزه‌های علمیه، اجرای اهداف مورد نظر رهبر معظم انقلاب را آغاز نموده‌اند و این مؤسسه هم‌اکنون به ریاست و تحت اشراف علمی معظم له اداره می‌شود.

اهداف و مأموریت‌ها

مهم‌ترین اهداف و وظایف این مؤسسه با بهره‌گیری از رهنمودهای مقام معظم رهبری در حکم ابلاغی و مطابق آنچه در اساسنامه مصوب آن آمده است عبارت‌اند از:

- ۱ - تدوین مجموعه‌ای کامل به صورت دائرة المعارف که حاکی از همه ابواب و انظار و مؤلفات فقهای شیعه باشد.
- ۲ - تحقیق و تدوین موضوعاتی که مرتبط با فقه شیعه باشد از قبیل تاریخ فقه اسلام، فقه مقارن، مباحث اقتصاد اسلام، بررسی عناوین مستحدث، تهیه قاموس فقهی و...
- ۳ - تحقیق و چاپ و نشر منابع مهم فقهی.
- ۴ - انتشار مجلات تخصصی در زمینه‌های فقهی و مطابق با نیازهای روز جامعه اسلامی.
- ۵ - انتشار کتب و مقالات به زبان‌های رایج دنیا به منظور معرفی مذهب شیعه در زمینه‌های گوناگون.
- ۶ - کتابخانه دیجیتال آثار فقهی مؤسسه: این کتابخانه که به سفارش مؤسسه توسط مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی در قالب یک لوح فشرده تهیه شده که در بردارنده همه آثار فقهی منتشر شده مؤسسه تا اسفند ماه ۱۳۸۹ است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از: موسوعة الفقه الاسلامی طبقاً لمذهب اهل البیت تا جلد بیستم، معجم جواهر الکلام در ۶ جلد، المعجم الفقهی لکتاب الشیخ الطوسی در ۶ جلد، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت چهار جلد اول تا مدخل شیوع.

فعالیت‌های سایت نرم‌افزاری

مؤسسه

سایت اطلاع‌رسانی مؤسسه در سال ۱۳۷۸ راه‌اندازی شد و همواره با استفاده از تکنیک‌های روز، بروز رسانی می‌شود و با آدرس www.afiqh.com قابل دسترسی می‌باشد. در این سایت بیشتر آثار منتشر شده مؤسسه از جمله کتاب‌های فقهی، مقالات، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، فقه جزا، کتاب‌شناسی تحلیلی، توصیفی فقه امامیه، معجم جواهر الکلام و المعجم الفقهی لکتاب الشیخ الطوسی، دائرة المعارف فقه شیعه و مجلات تخصصی تحت عنوان فصلنامه فقه اهل بیت (فارسی) و (عربی) به صورت باز (آنلاین) و رایگان در اختیار کاربران قرار گرفته است.

میراث زوجه

ساجده زرگوش
مقطع: کارشناسی ارشد
رشته تحصیلی: فقه خانواده

در فروعات فقهی اسلام ارث از پیچیده‌ترین موضوعاتی است که در کتب فقهی و حقوقی به‌طور تفصیل مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به‌طوری‌که بخشی از کتب فقهی را بنام «کتاب الموارث» اختصاص داده‌اند و بابتی از آن به نام «میراث الأزواج» اختصاص داده شده است. قرآن کریم در آیه ۱۲ سوره نساء سهم الارث هر یک از زوجین را بیان کرده است. این سهم برای زوجه عبارت است از یک‌چهارم ترکه، اگر شوهر فرزندی نداشته باشد و یک‌هشتم آن، اگر شوهر فرزندی داشته باشد. و البته قرآن جزئیات آن را از جمله: «میراث زوجه از اموال غیرمنقول (عقار)» تشریح نکرده است. موضوع ارث زن از عقار یک مسئله‌ی اختلافی بین فقه‌های امامیه می‌باشد زیرا در این مسئله روایات متعددی وارد شده که منشأ اقوال مختلفی گردیده به‌طوری‌که بعضی قائل‌اند که از اموال غیرمنقول به زوجه مطلقاً چیزی نمی‌رسد و عده‌ای از فقها اظهار دارند که زوجه از اموال غیرمنقول ارث می‌برد گروهی قائل به تفصیل، بین زوجه‌ی ذات‌الولد و غیر ذات‌الولد شده‌اند. ولی به‌طور کلی اکثر فقه‌های امامیه (قول مشهور) به نفی میراث زوجه از اموال غیرمنقول (عقار) متمایل شده‌اند.

اهمیت طرح این موضوع از آن جهت است که اگر برخورداری از اموال غیرمنقول جزء حقوق شرعی زن باشد، در این صورت، محرومیت وی از عقار، پایمال کردن حق اوست، و اگر زن از اموال غیرمنقول شوهر بی‌نصيب باشد، دادن این اموال به او، ضایع کردن حق سایر ورثه می‌باشد. پس این مسئله از موضوعاتی است که احتیاط در آن راه ندارد. لذا روشن شدن دیدگاه مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) در آن ضروری به نظر می‌رسد. انگیزه انتخاب موضوع میراث زوجه از عقار به این دلیل است که این موضوع در زمان معاصر نیز، از مسائل چالشی

و اختلافی می‌باشد و در مورد آن قوانین جدیدی تصویب شده است، لذا تبیین مسائل فقهی در آن مفید و مثمر می‌باشد. از آنجا که محرومیت زوجه از عقار همواره مورد نگاه نقادانه حقوقدانان قرار گرفته است و با بررسی جوانب موضوع، تمسک به تحولات صنعتی و دگرگونی جوامع و تغییر شرایط و مقتضیات زندگی در جوامع امروزی، این محرومیت را متناسب با روح عدالت اسلام، ندانسته و شبهاتی بر آن وارد می‌کنند هدف این نوشتار روشن کردن دیدگاه‌های قائلین به محرومیت وعدم محرومیت زوجه و تبیین مستندات هردو دیدگاه، می‌باشد، تا از ایجاد این شبهات و تشکیک در نظریات فقهی جلوگیری شود. این نوشتار می‌کوشد که مکتب اهل بیت عصمت (علیهم‌السلام) در مورد

میراث از اموال غیر منقول را بیان کند و به نقل و بررسی اقوال وارده در این مقام بپردازد، که به شش قول و نظریه اشاره می‌شود و سپس به بیان سه طایفه از روایات منقوله از ائمه‌ی اطهار (علیهم‌السلام) پرداخته است. در فصل آخر به بیان ادله‌ی قول مشهور و همچنین ادله‌ی برخی از فقه‌های معاصر که نظر آن‌ها در مقابل قول مشهور است پرداخته می‌شود. در باب ارث زوجه از اموال غیرمنقول، روایات زیادی وارد شده است و از نگاه قول مشهور – که مهم‌ترین سند آن‌ها، همین روایات است – روایات به حد تواتر است؛ از آنجا که مسئله میراث زوجه از مسائل مورد ابتلا کثیر و عام‌البلوی بوده است لذا کثرت سؤال از آن و صدور جواب متعدّد و مکرر از امام

معصوم (علیه‌السلام) ظاهراً امری طبیعی است. حال آنکه در مسئله ارث زوجه از اموال غیرمنقول، تقریباً «بیست» روایت وجود دارد که اگر همه‌ی آن‌ها صحیح نباشد، یقیناً «ده» روایتشان صحیح است، پس «بطریق اولی» روایات این باب، به حد تواتر رسیده است و واضح است زمانی که روایات، به حد تواتر برسد، دیگر نیازی به بررسی سندی آن‌ها نیست. از آنجا که مسئله‌ی حاضر، از بحث‌های مهم اجتهادی و دقیق است که فحول علماء و فقهاء اقوال مختلفی را پیرامون آن مطرح نموده‌اند و روشن است که منشأ اختلاف در اقوال اصحاب، اختلاف در روایات است. که در این نوشتار به شش قول اشاره می‌شود: **قول اوّل:** زوجه به‌طور مطلق از عین همه ترکه ارث می‌برد. (ابن جنید)

قول

دوم زوجه اگر دارای فرزندى از مؤرث باشد، از عین همه اموال منقول و غیرمنقول ارث می برد...

قول دوم: زوجه اگر دارای فرزندى از مؤرث باشد، از عین همه اموال منقول و غیرمنقول ارث می برد و اگر بدون فرزند باشد از عین اموال منقول و از قیمت اموال غیرمنقول ارث می برد. (نظر شیخ صدوق درمن لایحضره ومختار برخی فقهای معاصر) **قول سوم:** زوجه از قیمت زمین، خانه و ساختمان های آن و از عین اموال دیگر حتی قری و املاک کشاورزی ارث می برد. (سید مرتضی) **قول چهارم:** زوجه از زمین، خانه هیچ ارث نمی برد- نه از عین زمین و نه از قیمت آن- ولی از قیمت ساختمان ها و از عین اموال دیگر حتی از قری و املاک کشاورزی ارث می برد. (شیخ مفید) **قول پنجم:** زوجه اگر دارای فرزند باشد، از عین همه زمین ها ارث می برد ۱. از جمله حضرت آیت الله سید علی خامنه ای (مقام معظم رهبری) و آیت الله سید محمود هاشمی شاهرودی و گروهی دیگر از فقهاء معاصر و مراجع تقلید، نیز بر این عقیده هستند.

و اگر فرزند باشد هیچ ارثی از زمین ها نمی برد و فقط از قیمت ابزار و مصالح ساختمانی ارث می برد. (شیخ طوسی و فقهای پس از او) **قول ششم:** همان قول پنجم است بدون تفصیل میان زوجۀ دارای فرزند و بدون فرزند و حکم به محرومیت او از ارث همه زمین ها می کند (نظر مشهور متاخرین مثل ابن ادریس، صاحب ریاض، محقق نراقی و ...) از آنجاکه قول برخی از فقهای معاصر در مقابل قول مشهور است در این نوشتار به بررسی دلایل این دو قول و این دو دیدگاه پرداخته می شود .

ادله ی قول مشهور
مشهور فقهای متأخر معتقدند زوجه

فی الجمله از عین و قیمت برخی ماترک زوج محروم می شود. مستند ایشان روایات محرومیت می باشد :

روایات حرمان حدود هفده روایت است که شیخ حر عاملی آن ها را در باب

ششم کتاب وسایل الشیعه آورده است . این هفده روایت «دو» ویژگی دارند که به آن اشاره می شود:

۱. از این «هفده» روایت، تقریباً «ده» روایت صحیحه؛ «سه» روایت موثقه و «چهار» روایت ضعیفه است .

۲. این «هفده» روایت، همگی در اینکه زوجه از بعضی ماترک زوج محروم است؛ مشترک اند. فقها به این روایات

استناد نمودند و فی الجمله حکم به محر و میت زوجه از عین و قیمت برخی ماترک زوج و از عین نه قیمت برخی دیگر از ماترک زوج داده اند . لذا قائل اند که آیه قرآن در مورد میزان و نحوه ی سهم الارث زوجه به وسیله ی این روایات تخصیص خورده است، زیرا اکثر این روایات صحیح می باشند و نمی توان از آن ها چشم پوشی نمود.

ادله ی قول معاصر

قائلین به عدم محرومیت (قول معاصر)، با بررسی

شش نظریه ی مطرح فقهی در باب میراث زوجه، نظری که «بین ذات ولد و غیر آن فرق وجود دارد» را پذیرفته اند که

بر اساس آن اگر زوجه دارای فرزند باشد از عین همه اموال منقول و غیرمنقول و اگر فرزند نداشته باشد از عین اموال منقول و قیمت اموال غیرمنقول ارث می برد، این فضلا معتقد هستند که این قول اخص از قول سید مرتضی و مطابق ظاهر قول شیخ صدوق است برای اثبات نظر خود، به دو روایت، صحیحه ی ابن ابی یعفور که دلالت بر محروم نبودن زوجه به طور مطلق و روایت ابن اذینه که دلالت بر ارث زوجه دارای فرزند از اموال غیرمنقول می کند، استناد کرده اند، که هر دو روایات در باب هفتم کتاب وسائل الشیعه آمده است، که ذیلاً به آن ها اشاره می شود :

روایت عدم محرومیت

۱. صحیحه ابن ابی یعفور: «از امام صادق (ع) پرسیدم: آیا مرد از خاک خانه یا زمین همسرش چیزی ارث می برد یا مرد نیز همچون زن

و اگر بدون فرزند باشد. از عین اموال منقول و از قیمت اموال غیرمنقول ارث می برد.

زندگی نامه شیخ حر عاملی

راضیه سادات حیدری
مقطع کارشناسی ارشد
رشته فقه خانواده

کودکی و نوجوانی

محمد بن حسن بن علی، معروف به شیخ حر عاملی، از بزرگ ترین فقیهان و محدثان شیعه است. او همچنین ملقب به «شیخ الاسلام» و «زعیم شیعه» است. شیخ حر در هشتم رجب سال ۱۰۳۳ ه. ق در روستای «مشغره» در منطقه جبل عامل لبنان به دنیا آمد. مردم منطقه جبل عامل توسط **ابوذر غفاری** با اسلام و اهل بیت علیهم السلام آشنا و شیعه شدند. شیخ حر عاملی از نوادگان **حر بن یزید ریاحی** است. او فرمانده سپاه **یزید** بود که به سپاه **امام حسین علیه السلام** ملحق شد و در رکاب آن حضرت به شهادت رسید. امام حسین علیه السلام درباره او فرموده است: «تو را نام نیکویی نهاده اند، تو در دنیا و آخرت خُر و آزاده هستی»^۱.

خاندان اهل علم

شیخ حر در خاندان اهل معرفتی رشد و نمو یافت؛ خاندانی بزرگ و اصیل که دانشمندان بزرگی در آن پرورش یافتند. پدر شیخ حر عاملی، شخصی فاضل، دانشمند، صالح، ادیب، فقیه، ثقه، حافظ و آگاه به فنون عربی و مورد مراجعه عموم مردم بوده است. وی در سال ۱۰۶۲ ه. ق درگذشت. عموی شیخ حر، **شیخ محمد بن علی بن محمد حر عاملی** صاحب کتاب **الرحله**، حواشی و تعلیقات و فواید و دیوان شعر بزرگی بوده است. پسرعمویش، **حسن بن محمد بن علی**، دانشمندی فاضل و ادیب بود. جدش، **شیخ علی بن محمد حر عاملی**، عالمی جلیل القدر و عابدی خوش اخلاق، فاضل و اهل شعر و ادب بود. جد پدرش، **شیخ محمد بن حسین حر عاملی** نیز اهل علم و دانش و افضل عصر خود در شرعیات بود، همچنان که فرزندش، **شیخ محمد بن محمد**، افضل عصر خود در علوم معقول بود.

۱. نائینی، میرزا محمد حسین غروی، تنبیه الأمة و تنزیه الملة، ص ۵۶

دیدگاه فقهای معاصر را قابل نقد و تأمل

جد ی می آید که زوجة از ارث عقار محروم بوده و از سایر اموال شوهرش ارث می برد.

از مجموع روایات باب میراث زوجة، استفاده می شود که، زوجة از «مطلق عقار» یعنی چه «عقار خانه» و چه «عقار ارض» و چه «عقار بستان» ارث نمی برد و روایات عدم محرومیت - که معارض روایات محرومیت است - را با باید بر تقیه حمل نمود؛ با روایات نافیه را مخصّص آن دانست و یا اینکه قائل شویم به اینکه این روایات، تاب تحمل و مقاومت در مقابل روایاتی که در حدّ تواتر است، را ندارد.

از طرفی برخی از فقها بین زوجة ذات ولد و غیر ذات ولد فرق می گذارند و ممنوعیت از عقار را مختص زوجة غیر ذات ولد می دانند، این فقها برای اثبات مختار خود به مقطوعه ی ابن اذینه تمسک کردند.

این مقطوعه دارای اشکالات سندی و دلالی می باشد که به نظر می رسد برای اثبات مدعا تمام نیست، بنابراین دلیلی برای تفصیل بین ذات ولد و غیر ذات ولد نیافتیم. در نتیجه حق با قول مشهور است یعنی زوجة از جمیع عقار محروم است و فرقی بین ذات ولد و غیر ذات ولد وجود ندارد.

کتاب نامه:

۱. صدوق (ابن بابویه قمی)، محمد بن علی، **من لا یحضره الفقیه**، ۴ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ ه ق
۲. العاملی، حرّ، محمد بن حسن، **وسائل الشیعة**، ۳۰ جلد، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ ه ق.

از خانه و زمین ارث نمی برد؟
امام علیه السلام فرمود: مرد از همه ماترک زن و زن از همه ماترک مرد ارث می برد.^۲

۲- روایت ابن اذینه : روایت عمر بن اذینه است که شیخ صدوق از ابن ابی عمیر، از ابن اذینه نقل کرده است: «فی التّسَاءِ إِذَا كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ أُعْطِیْنَ مِنَ الزَّوْجِ»^۳ که در مباحث پیشین گذشت و صراحت دارد در اینکه زوجة هرگاه صاحب فرزند باشد از رباع به او داده می شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

نگارنده با بررسی اقوال و ادله در این مسئله دیدگاه مختار برخی فقهای معاصر و همچنین دیدگاه قول مشهور امامیه را بیان کرده سپس

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۶، ص ۲۱۳-۲۱۲، باب ۷ از ابواب میراث الأزواج، ح ۱
۳. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۴۹؛ رک. به: وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۲۶، ص ۲۱۳

فقه اهل بیت
ع

۳۲

برخی از فقها بین زوجة ذات ولد و غیر ذات ولد فرق می گذارند و ممنوعیت از عقار را مختص زوجة غیر ذات ولد می دانند



شرح حال علمی

شیخ حر عاملی از بزرگ‌ترین علمای تشیع در قرن یازدهم هجری است. او برای بزرگان شیعه قابل احترام است و تألیفات ایشان که از روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) سرشار است، به غنای این مذهب افزوده است. بزرگان شیعه از جمله **محدث قمی**، **علامه امینی** (صاحب **الغدیر**)، **سید علی‌خان مدنی** (شارح **صحیفه سجادیه**)، صاحب **مقابس الانوار** و دیگران، او و آثار ارزشمندش را بسیار ستوده‌اند. شیخ حر عاملی تا چهل سالگی در جبل عامل زندگی کرد و دو بار به سفر حج مشرف شد. در سال ۱۰۷۳ ه.ق برای زیارت به عراق و سپس به مشهد رفت و در همان‌جا ساکن شد. در سال ۱۰۸۷ و ۱۰۸۸، پس از تشریف به حج و زیارت امامان در عراق، به اصفهان رفت و با **علامه مجلسی** دیدار کرد و هر دو به یکدیگر اجازه روایت دادند. شیخ در مشهد از جانب شاه ایران به مقام قاضی‌القضاتی منصوب شد، کلاس‌های درس ایجاد کرد و شاگردان زیادی را تربیت نمود. شیخ، شعر هم می‌سرود و در مدح اهل بیت (علیهم‌السلام) نیز شعرهایی طولانی گفته است که گاهی بیش از صد بیت می‌شود. دیوان شعرش بیست هزار بیت شعر دارد.

پرواز به سوی ملکوت

به نقل از برادرش در کتاب **الدر المسلوک**، او در حالی که ۷۲ سال داشت در ۲۱ رمضان سال ۱۱۰۴ هجری از دنیا رفت و در ایوان حجره‌ای در صحن روضه در کنار مدرسه **میرزا جعفر** در جوار **امام رضا (علیه‌السلام)** به خاک سپرده شد.

اساتید

شیخ از محضر استادانی از جمله افراد زیر، بهره‌مند شده است:

۱. پدرش حسن بن علی
۲. عمویش شیخ محمد بن علی خُر
۳. جد مادریش شیخ عبدالسلام بن محمد خُر
۴. دایی پدرش شیخ علی بن محمود عاملی
۵. شیخ زین‌الدین، صاحب معالم و فرزند شهید ثانی
۶. شیخ حسین ظهیری



شاگردان

- افراد زیادی از وجود این عالم بزرگ بهره‌مند شدند، از جمله:
۱. شیخ مصطفی بن عبدالواحد بن سیار حویز
 ۲. شیخ محمدرضا فرزند شیخ مصطفی
 ۳. شیخ حسن فرزند دیگر شیخ مصطفی
 ۴. سید محمد بن محمدباقر حسینی اعرجی مختاری نائینی

تألیفات

از جمله تألیفات ارزنده ایشان عبارت‌اند از:

۱. الجواهر السنّیة فی الأحادیث القدسیة
۲. الصحیفة الثانیة من أدعیة علی بن الحسین (علیه‌السلام)
۳. تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة (معروف‌ترین کتاب ایشان)
۴. هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام
۵. من لا يحضره الإمام
۶. الفوائد الطوسیة
۷. إثبات الهداة بالنصوص والمعجزات
۸. أمل الآمل
۹. الإيقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة
۱۰. رسالة فی الرد علی الصوفیة
۱۱. تواتر القرآن
۱۲. بداية الهدایة
۱۳. الفصول المهمة فی أصول الأئمة عليهم السلام
۱۴. العربية العلویة و اللغة المروية
۱۵. دیوان شعر
۱۶. دیوان الإمام زین العابدین (علیه‌السلام)
۱۷. تحریر وسائل الشیعة و تحبیر مسائل الشریعة
۱۸. الأخلاق
۱۹. مقتل الإمام الحسین (علیه‌السلام)
۲۰. حاشیه‌هایی بر کتب اربعه
- و...

منبع:

۱. نرم‌افزار جامع فقه اهل بیت (۲)
۲. نائینی، میرزا محمد حسین غروی، تنبیه الأئمة و تنزیه الملة، در یک جلد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول، ۱۴۲۴ ه.ق

۳۵

در سال ۱۰۸۷ و ۱۰۸۸، پس از تشریف به حج و زیارت امامان در عراق، به اصفهان رفت و با علامه مجلسی دیدار کرد و هر دو به یکدیگر اجازه روایت دادند.



۳۴

در سال

۱۰۷۳ ه.ق برای زیارت به عراق و سپس به مشهد رفت و در همان‌جا ساکن شد.

تنبیه کودک از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام

نفیسه السادات هاشمی
با نظارت: استاد خانم سیفی، از اساتید گروه
فقه و اصول

چکیده

تنبیه یکی از روش‌های تربیتی است که در موقعیت‌های خاص می‌تواند یک روش بازدارنده و گاهی اصلاحی باشد و از این جهت در گروه روش‌های ایجابی قرار می‌گیرد. که انجام دادن آن، اثر تربیتی دارد. از سوی دیگر اعمال این روش در صورتی مؤثر است که در شرایط خاص و با رعایت جوانب گوناگون به کار گرفته شود. در غیر این صورت اثرهای تخریبی آن به مراتب بیشتر از پیامدهای مثبت آن خواهد بود. که این امر را در گروه روش‌های سلبی و آسیب‌زا قرار می‌دهد.

تنبیه دارای مراحل است که عبارت‌اند از: تغافل، کنایه، تذکر مستقیم و غیرعلنی، محروم‌سازی و... و در نهایت تنبیه بدنی در مورد جواز یا عدم جواز و محدوده آن، سن متربی و نیز کارهایی که مستلزم تنبیه بدنی است. پرسش‌هایی مطرح است که در متن به آن‌ها پرداخته شده است.

به‌کارگیری این روش مستلزم رعایت اصول و قواعدی است که اگر مورد غفلت قرار بگیرد آسیب‌های جدی و جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت.

در این مقاله سعی شده که به تنبیه از منظر فقه اسلامی پرداخته و نظر اسلام را در مورد تنبیه و روش و ملاک در تنبیه و عوامل و اثرات آن بررسی کرده و در نتیجه تنبیه به عنوان آخرین روش تربیتی پیشنهاد می‌شود.

مقدمه:

یکی از مسائل مهم تعلیم و تربیت در دنیای معاصر که به عنوان آخرین روش تربیتی می‌باشد مسئله تنبیه می‌باشد

که اعم از بدنی و غیر بدنی است و انجام آن اثر تربیتی دارد و از سوی دیگر اعمال این روش در صورتی مؤثر است که در شرایط خاص و رعایت جوانب گوناگون به کار گرفته شود. در غیر این صورت پیامدهای تخریبی آن به مراتب بیشتر از اثرهای مثبت آن خواهد بود. در این مقاله انواع تنبیه بدنی و غیر بدنی و کیفیت و محدوده و بعضی قواعد روشی آن از منظر فقه پرداخته می‌شود.

مفهوم شناسی تنبیه:

تنبیه در لغت:

مصدر باب تفعیل از ریشه نبه به معنای بیدار شدن از خواب گرفته شده است و در لغت به معنای بیدار کردن، واقف گردانیدن بر چیزی و آگاه کردن آمده است و همچنین به معنای مجازات کردن، ادب کردن به وسیله کتک و مانند آن، گوشمالی، تأدیب می‌باشد.^۱

تنبیه در اصطلاح

تنبیه عبارت است از (مواجه ساختن متربی خطا کار با یک تجربه ناخوشایند به منظور آگاه ساختن وی از پیامدهای رفتار نامطلوب خود و جلوگیری از تکرار آن)

تنبیه بر اساس نوع تأثیر آن در متربی دو گونه است (۱) عاطفی و روانی (۲) بدنی و جسمانی، نوع اول به تنبیهی گفته می‌شود که موجب ناراحتی فرد می‌گردد و به اقتضای شدت و ضعف خود، فشار روانی خاصی را بر او وارد می‌سازد و در عین حال، اثر مستقیمی روی بدن وی ندارد. مانند سرزنش و توبیخ، قهر کردن، محروم‌سازی از اشیاء مورد علاقه (مثلاً کودکی که به عروسک خود

۱. لغت نامه دهخدا، واژه تنبیه. و فرهنگ فارسی معین، دکتر محمد حسین معین، انتشارات فرهنگ نما با همکاری انتشارات کتاب‌آرا، چ اول، ۱۳۸۷.



علاقه

دارد از او گرفته

شود تا متوجه اشتباه

خود شود. اما تنبیه بدنی و

جسمانی به افعالی اطلاق می‌شود

که به طور مستقیم بر بدن متربی

تأثیر می‌گذارد و موجب درد و آزار

جسمانی و در نتیجه عذاب روحی

می‌گردد و مانند کتک زدن و جاری

کردن حدود شرعی و... در حد لزوم

به حدود و ثغور پرداخته می‌شود.^۲

تنبیه غیر بدنی

تنبیه آخرین روش تربیتی است،

یعنی مربی همه راه‌ها را برای

تربیت متربی رفته و روش‌های

مختلف را اعمال کرده و از وسایل

مختلف کمک گرفته ولی تربیت

۲. قائمی مقدم، محمدرضا، روش‌های آسیب‌زا در تربیت اسلامی، ص ۱۴۰.

شونده هنوز به جاده مستقیم هدایت نشده است. اجرای روش تنبیه به دلیل شدت و ضعف خطاها و تنوع داشتن آن و نیز متفاوت بودن موقعیت تربیت شونده خطاکار مستلزم مراحمی است که به اختصار بیان می‌کنیم. تنبیه اعم از بدنی و غیر بدنی به عنوان آخرین روش مطرح است. ولی تنبیه غیر بدنی، قبل از تنبیه بدنی است به عبارت دیگر وقتی تنبیه غیر بدنی مؤثر واقع نشود نوبت به تنبیه بدنی می‌رسد. ما در این مرحله به تنبیه غیر بدنی می‌پردازیم.

۱) آگاهی همراه با کنایه و اشاره مبهم و (تذکر غیر مستقیم)

این روش به همراه روش تغافل و تغییر در چهره کردن در کتاب‌های تربیتی به عنوان روش تنبیه غیر بدنی شمرده شده است اما به نظر می‌رسد با توجه به تعریف لغوی و اصطلاحی تنبیه این روش جزو مراحل تنبیه به کار نرود زیرا با

تعریف تنبیه سازگار نیست.

مربی باید در این مرحله اول خلاف و اشتباه متربی را به همراه کنایه و اشاره گوشزد کند. زیرا صریح گویی و آشکار گویی در بسیاری از موارد نه تنها نتیجه تربیتی نداشته بلکه فرد در انجام عمل خلاف بی‌باک‌تر و جسورتر می‌گردد. و مسلم است که در بیشتر موارد کنایه و اشاره گویی از تصریح و آشکار کردن مطلب مؤثرتر و نتیجه بخش‌تر است. (الکنایة ابلغ من التصریح) کنایه گویی مؤثرتر از صراحت است بنابراین در این مرحله مربی با کنایات صحیح و اشارات دقیق و اخلاقی، در لابه لای سخنان خود بدون آنکه دیگران مقصود او را دریابند تربیت شونده را راهنمایی کرده تا پی به اشتباه خود برده و آن را ترک کند. در سیره معصومین علیهم السلام داستان‌های زیادی نقل شده که برخورد با افراد خطاکار از آگاهی همراه با کنایه و اشاره مبهم استفاده می‌کردند. مانند داستان وضوی حسنین علیهم السلام، در مقابل پیرمردی که وضویش درست نبود.^۳

۲) تغافل

تغافل به این معنا که مربی در اولین برخورد با خلاف متربی آن را نادیده می‌گیرد. و طوری برخورد می‌کند که گویا از چیزی خبر ندارد. در اثر تغافل اولاً: حرمت متربی به ویژه اگر پنهانی مرتکب خطا شده باشد محفوظ می‌ماند و فرصتی برای تجدیدنظر به او داده می‌شود و ثانیاً: قدر و منزلت مربی در نزد متربی حفظ می‌شود. امام صادق علیه السلام در این باره می‌فرماید: «اعظموا اقدارکم بالتغافل».^۴ قدر و منزلت خویش را با تغافل گرامی بدارید، همچنین امام علی علیه السلام می‌فرماید (تغافل یحمد امرک)^۵ تغافل کن که این کار تو مورد ستایش قرار می‌گیرد و خود نیز به همین شیوه عمل می‌کردند.

۳. همان، ص ۷۴.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۵۹، حدیث ۳۲.

۵. غرر الحکم، حدیث ۴۵۷.

۳) تغییر در چهره

اگر تغافل مؤثر نیفتاد، گام بعدی تغییر در چهره می‌باشد. به این معنا که اگر به هنگام برخورد با خطای متربی، تنها نوع نگاه خویش را تغییر داده و ناراحتی را به گونه‌ای در چهره نمایان کنیم که متربی متوجه خطای خویش گردد و درصدد اصلاح خود برآید.

برخورد پیامبر گرامی اسلام با دختر گرامی‌شان حضرت فاطمه علیها السلام از همین نوع است. ایشان پس از بازگشت از سفری، طبق معمول به دیدار حضرت فاطمه علیها السلام رفتند ولی برخلاف همیشه پس از مکث کوتاهی، خانه فاطمه را ترک کردند. حضرت فاطمه علیها السلام متوجه شدند که شاید این نگاه سرد به دلیل وجود پرده‌ای باشد که به تازگی به در خانه آویخته‌اند. از این رو به سرعت پرده را همراه با پیامی نزد پدر فرستاد. حضرت پس از شنیدن پیغام دختر بزرگوارش فرمودند: پدرت فدای تو باد. و با خوشحالی بار دیگر به دیدار فاطمه علیها السلام آمدند.^۶ بسیاری از بزرگان دین هم به این معروف بودند که نگاه نافذ داشتند و با یک نگاه فرد متوجه اشتباه خود می‌شد.

کاربرد این مرحله زمانی است که بین مربی و متربی رابطه‌ای بسیار صمیمانه وجود داشته باشد. و متربی خود را نیازمند داشتن این رابطه گرم بداند به طوری که ناراحتی مربی برایش قابل تحمل نباشد. از این رو در هر مرحله از رشد که چنین رابطه‌ای بین مربی و متربی وجود داشته باشد این مرحله نیز کارساز خواهد بود.^۷

البته تنبیه غیر بدنی مراتب دیگری دارد که بررسی آن نیاز به مقالات مفصل‌تری دارد.

۶. بحار الانوار، ج ۳۹، ص ۲۰، حدیث ۷.

۷. روش‌های آسیب‌زا در تربیت، محمدرضا قائمی مقدم، ص ۱۴۲.

تنبیه بدنی

این مرحله، آخرین مرحله تنبیه است که با رعایت شرایط می‌توان از آن بهره برد.

هدف کیفر در اسلام:

بامطالعه دقیق در منابع کیفری اسلام به خوبی به دست می‌آید که هدف اسلام از کیفر گناهکار و جنایتکار زجر و تعذیب آن‌ها را مجرد تشفی خاطر اولیاء دم و مانند این امور نیست. غرض تأدیب و تهذیب اخلاق مجرم و بوجود آوردن جامعه سالم و به طور کلی، حفظ و حمایت مردم از شرور و مفاسد اجتماعی و سقوط در پرتگاه‌های رذائل اخلاقی است. به قول بعضی از بزرگان هدف کیفر، حفظ دین، نفس، نسل، عقل و مال است که ضروریات خمس نامیده می‌شود.^۸

از آنجاکه این مرحله از تنبیه محل بحث است و اختلاف نظر بین عالمان و دانشمندان بوده و از

۸. مقالات حقوقی، دکتر ابوالقاسم گرگی ج اول، اسفندماه ۱۳۶۵، ث ۲۸۵.

وجود احکام حدود و تعزیرات اسلامی که با هدف اصلاح و جلوگیری از تکرار جرم و خطا صورت می‌گیرد، عموماً از جواز تنبیه بدنی در دین مبین اسلام حکایت دارد.

حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. با طرح چند پرسش به بررسی آن می‌پردازیم.

الف) آیا در اسلام تنبیه بدنی جایز است؟

پاسخ: وجود احکام حدود و تعزیرات اسلامی که با هدف اصلاح و جلوگیری از تکرار جرم و خطا صورت می‌گیرد، عموماً از جواز تنبیه بدنی در دین مبین اسلام حکایت دارد. افزون بر آن روایاتی وجود دارد که به طور خاص در باب تنبیه بدنی، با هدف تأدیب و تربیت وارد شده است. به برخی روایات در این زمینه اشاره می‌کنیم:

در مورد اصل تأدیب امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

و عن ابی عبدالله علیه السلام قال: فی الصبی الصغیر الذی لم یبلغ الحلم، یفجر بالمرأه الکبیره و الرجل البالغ یفجر بالصبیة الصغیره التي لم تبلغ الحلم، قال یحد البالغ منها دون الطفل، ان کان بکراحد الزانی ولا حد علی الاطفال و لکن یؤدبون ادبا بلیغا^۹

امام صادق علیه السلام فرمود: در پسر بچه‌ای که صغیر است و هنوز بالغ نشده است و عمل نامشروع با زن بالغ انجام داده است و مرد بالغی که عمل نامشروع با دختر بچه صغیر که به سن بلوغ نرسیده است فرمود: حد زده می‌شود مرد و زن بالغ بدون اینکه طفل حد بخورد، اگرچه باشند بکر حد زنا زده می‌شود. و حدود شرعی درباره اطفال جاری نمی‌گردد ولی باید مجازات تأدیبی شوند. در مورد کودکی که به سن ۱۰ سالگی رسیده در صورت تخلف از نماز پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: (أمرهم بالصلوة و اضربوهم علیها لعشرو فرقوا بینهم فی المضاجع)^{۱۰}

۹. مستدرک الوسائل، ج ۳ ص ۲۲۳.

۱۰. کتاب خلاف، ج ۱، کتاب صلوٰة ص ۳۰۶. شیخ الطائفه امام ابن جعفر محمد بن الحسن الطوسی.



فرزندان خود را در هفت سالگی به نماز وادارید و در صورت تخلف از آن در ده سالگی آنان را تنبیه کنید و بسترشان را از هم جدا کنید.

انواع کیفر (تنبیه) از نظر حقوق و فقه اسلامی

مجازات‌هایی که اسلام برای مجرمین مقرر کرده است تحت عناوین زیر خلاصه می‌شود. ۱- حدود ۲- تعزیرات ۳- قصاص ۴- دیات ۵- تأدیب و ما در این نوشتار به تأدیب که بیشتر خاص کودکان و نوجوانان می‌باشد می‌پردازیم.

باب حدود و تعزیرات، قصاص و دیات

این باب از گسترده‌ترین باب‌های فقه است، به طوری که در این باب‌ها شارع مقدس برای بسیاری از محرمات شرعی، کیفرهای ویژه‌ای در نظر گرفته که این کیفرها به حسب نوع حرامی که انجام شده و نیز به حسب نوع افرادی که مرتکب آن‌ها می‌شوند متفاوت است به این بیان که نسبت به بالغ‌ها، حدود و نسبت به غیر بالغ‌ها تعزیرات اجرا می‌شود. حتی گاهی این حدود تا حد نقص عضو متربی پیش می‌رود و گاهی به چند ضربه شلاق اکتفا می‌شود. همچنین باب دیات نیز بخشی از تنبیه‌های شرعی در مقابل فعالیت‌های منفی است که در موارد ویژه اعمال می‌گردد.^{۱۱}

مسائل مربوط به تنبیه کودکان

علاوه بر موارد فوق که به طور عمومی مطرح است و اختصاص به افراد یا گروه خاصی ندارد، در فقه به طور ویژه از تنبیه کودکان توسط والدین و مربیان سخن به میان آمده است و جالب آن است که علاوه بر تنبیه، از موارد تنبیه و نیز مقدار و اندازه آن نیز بحث شده است.

۱۱. نگرشی بر تعامل فقه و تربیت، علی همت بناری، ص ۱۰۶.

ب) برای چه افعالی می‌توان تنبیه کرد؟

پاسخ: علاوه بر تعزیر که اجرای آن وظیفه حاکم شرع است. والدین و یا مربیان نیز می‌توانند کودک را در بعضی موارد تنبیه بدنی نمایند: روایات مختلفی در این زمینه موجود است برخی تنبیه و اجرای حدود را بر معصیت خدا و گناهان کبیره^{۱۲}، برخی بر ترک نماز^{۱۳} و برخی هم در صورت عصیان مولا و پدر تنبیه را تجویز می‌کنند که در مورد سوم، روی عفو و اغماض تأکید شده است.^{۱۴}

ولی از آنجا که هدف از تنبیه، تأدیب و اصلاح رفتار متربی است می‌توان گفت هر زمان امر خلاف ادبی از متربی صادر شود و جلوگیری

۱۲. سید ابوالقاسم خویی، توضیح المسائل، ص ۴۹۳ و. ۱۳. کتاب خلاف، ج ۱، کتاب صلوٰة ص ۳۰۶. شیخ الطائفه امام ابن جعفر محمد بن الحسن الطوسی. ۱۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۸، ص ۲۹۹، حدیث ۳.

صلی الله علیه و آله می‌فرماید:
فرزندان خود را در هفت سالگی به نماز وادارید و در صورت تخلف از آن در ده سالگی آنان را تنبیه کنید و بسترشان را از هم جدا کنید.

زدن کودک برای امر به معروف و نهی از منکر به مقداری که دیه واجب نشود جایز است.

از آن جزا راه تنبیه بدنی امکان پذیر نباشد، تنبیه بدنی جایز می باشد.^{۱۵} اینک به برخی از فتاوا در این زمینه اشاره می کنیم: (زدن کودک برای امر به معروف و نهی از منکر به مقداری که دیه واجب نشود جایز است)^{۱۶} (اگر فرزند با نصیحت، واجباتش را انجام ندهد و کارهای حرام را ترک نکند، پدر می تواند با تهدید و سخت گیری یا زدن با رعایت سلسله مراتب چنانچه باعث فساد نشود او را وادار به انجام واجبات و ترک محرمات کند).^{۱۷} (در مواردی که معلم بخواهد دانش آموز را نهی از منکر کند و از فساد که از او سر می زند جلوگیری نماید، می تواند با اجازه ولی او به طوری که دیه واجب نشود دانش آموز را بزند).^{۱۸}

۱۵. فصلنامه حوزه و دانشگاه شماره ۱۴ و ۱۵.
۱۶. سید ابوالقاسم خویی، توضیح المسائل، ص ۴۹۳ و سید محمد رضا گلپایگانی، مجمع المسائل، ج ۱، ص ۵۲۳.
۱۷. همان، ج ۱، ص ۵۱۹ و ۵۲۶.
۱۸. همان، ص ۵۲۳.

ج) قلمرو تنبیه بدنی کجاست؟ به عبارت دیگر در چه سنی تنبیه بدنی جایز است؟

پاسخ: در جواز تنبیه بدنی در سنین بلوغ و بالاتر جای هیچ شک و شبهه ای نیست، چرا که احکام و حدود ناظر بر همین سنین است ولی سخن در جواز آن در سنین پایین تر است آیا در سنین کودکی هم می توان تنبیه بدنی را به کار برد؟ از روایت هایی که زدن کودک را بر ترک نماز جایز می دانند می توان استفاده کرد که وقتی کودک خوب و بد را تشخیص می دهد تنبیه او جایز است زیرا در این روایت ها زدن کودک در هفت و نه و در ده سالگی جایز شمرده شده که همان سن تمیز است که به دلیل اختلاف در محیط و شرایط ممکن است رشد افراد متفاوت باشد، مؤید این مطلب روایت امام صادق (ع) است که در مورد کودکی که دزدی کرده بود فرمودند: از او بپرسید که آیا اصل مجازات و دزدی و نیز مقدار آن را می دانست؟ اگر پاسخش منفی بود او را رها کنید.^{۱۹}

مفهوم روایت این است که علم و جهل متربی به کیفر و به طریق اولی درک و عدم درک او از مسائل در مجازات وی مؤثر است. به همه این مسائل، ظاهراً گر چه تحذیر پس از سن تمیز است اما تنبیه بدنی با حفظ شرایط و در همه سنین جایز است.

د) حدود تنبیه بدنی چیست و کیفیت آن چگونه است؟

پاسخ: در شریعت اسلام، برخی از جرائم، مانند سرقت، قذف (یعنی نسبت زنا یا لواط به کسی دادن)^{۲۰} و... کیفر خاصی دارد که مخصوص افراد بالغ است و اگر جرم ثابت شود کسی حق ندارد از اجرای آن جلوگیری نماید. اما در مورد جرائمی که حد خاصی ندارد و یا کودکی که نابالغ مرتکب آن شده است تحذیر وجود دارد که تعیین مقدار و محدوده مجازات در اختیار قاضی

۱۹. استبصار، ج ۲، ص ۲۴۹، حدیث ۷.
۲۰. حقوق کیفری اختصاصی، هوشنگ شایانی، ج ۱، ص ۵۴۵.



است که متناسب با جرم، شرایط، موقعیت و سن مجرم مشخص می شود. روایت هایی که تنبیه کودک را جایز می دانند بین سه تاده ضربه در نوسان است که این نیز به موقعیت مربی و متربی باز می گردد. به عنوان مثال در روایتی آمده است: عن حماد بن عثمان قال، قلت لأبي عبدالله (ع) فی ادب الصبی والمملوک، فقال خمسة او ستته وارفق^{۲۱} حماد ابن عثمان می گوید: از ابو عبدالله (ع) درباره تأدیب کودک و برده سؤال کردم فرمود: با ملایمت پنج تا شش تازیانه بزن.

آنچه نزد فقها مسلم است این است که تنبیه بدنی کودک نباید به حد وجوب دیه برسد و حد دیه این است که جای ضربه سرخ، کبود و یا سیاه شود. والدین و مربی باید توجه داشته باشند که در هنگام تضریب و تنبیه بدنی طوری بزنند که تربیت شوند نه این که از روی خشم و برای از بین بردن خشم و غضب خود تنبیه نمایند. به هر حال میزان تأدیب باید رعایت شود و طوری تأدیب نمایند که دیه لازم نیاید و از حد تأدیب تجاوز نکند زیرا اگر مرز تأدیب رعایت نشود، حدود خدا رعایت نشده است چنانکه در حدیث است. قال رسول الله (ص): ان الله عزوجل جعل لكل شیء حدا و جعل علی من تعدی حدا من حدود الله عزوجل حدا^{۲۲}: خداوند بر هر چیزی حدی قرارداده است و بر کسانی که از این حد تجاوز کند کیفری قرار داده است.

از آنچه بیان شد مشخص می شود که تنبیه کودک به جا و با لحاظ شرایط و وضعیت او جایز است و این تنبیه یکی از راه های بازداری کودک از انجام کارهای خلاف و زمینه ای برای انجام واجبات و تمرین برای پایبندی او به احکام پس از بلوغ است. اما باید توجه داشت که آنچه در فتوای فقها درباره تنبیه کودک آمده است، بیان صرف جواز و عدم جواز آن و احیاناً درباره مقدار آن است و فقها در صدد بیان آن نبوده اند که آیا در مورد هر کودکی

۲۱. همان، ص ۵۸۱.

۲۲. وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۱۸، ص ۳۱۰.

و در هر شرایطی می توان کودک را تنبیه نمود یا خیر؟ بنابراین، تنبیه کودکان در مواردی که فقها جایز دانسته اند با توجه به رعایت نکات زیر است:

۱. تنبیه باید پس از انجام تشویق و مفید نبودن آن و به عنوان آخرین تلاش برای بازداری کودک از کار نادرست باشد.
۲. فقها تنبیه را فقط در مورد بازداری از کار حرام و بجای آوردن نماز که پس از بلوغ بر او واجب می شود جایز دانسته اند. بنابراین نمی توان به استناد فتوای فقها در هر مورد کودک را تنبیه نمود.
۳. در فتوای فقها تنبیه جایز دانسته شده و به عنوان یک روش تربیتی

نزد فقها مسلم است این است که تنبیه بدنی کودک نباید به حد وجوب دیه برسد و حد دیه این است که جای ضربه سرخ، کبود و یا سیاه شود.

در
اولین برخورد
با متری خطاکار،
باید از درستی یا
نادرستی انتساب
جرم اطمینان یافت
و سپس به تنبیه
اقدام کرد.

مطرح شده است اما هیچ فقیهی فتوا به الزامی بودن آن نداده است. بنابراین باید در موردی از این روش استفاده نمود که احتمال تأثیر وجود داشته باشد. ۴. تنبیه نباید به قدری باشد که موجب سرخ شدن یا کبود شدن اعضای بدن گردد. ۵. در تنبیه باید از زدن به جاهای حساس کودک مثل سرو صورت و... پرهیز نمود.^{۲۳} ۲۳. برای اطلاع بیشتر ر. گ: علی فاضلی،



قواعد روشی

آنچه گذشت، مراحل گوناگون اجرای روش تنبیه بود که به کارگیری آن‌ها به همان ترتیبی که ذکر شد، مطلوب به نظر می‌رسد، اما اجرای مفید و کارآمد هریک از مراحل یاد شده مستلزم رعایت اصول وقواعدی است که در زیر می‌آید.

۱- حسن ظن

حسن ظن روابط را استوار می‌کند در مقابل سوء ظن، بنیان روابط اجتماعی را به طور عام و روابط بین مربی و متربی را به طور خاص سست می‌نماید از این رو باید با حسن ظن با متربی برخورد کرد تا جایی که ممکن است فعل او را بر وجه صحیح حمل کرد.

امام علی علیه السلام می‌فرماید: کار برادر دینی‌ات را به حسن نیت بر وجه صحیحی حمل کن تا این‌که چیزی از او مشاهده کنی که بر حسن ظن تو غلبه کند و مادام که وجه مثبتی برای سخن او می‌یابی هرگز گمان بد به او مبر.^{۲۴}

۲- تقدم عفو و اغماض

به فرموده رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله: (اگر مربی در عفو کردن خطا نماید، بهتر است از این‌که در عقوبت مرتکب خطا شود و فردی را به ناحق مجازات نماید).^{۲۵} از این رو اصل اولیه در برخورد با خطاکار عفو اغماض است نه تنبیه و مجازات.

۳- پرهیز از شتاب زدگی

تسریع و تعجیل در تنبیه و مجازات، مطلوب نیست، بهتر است پس از مشاهده خطایی از متربی به وی فرصتی داده شود چه بسا در این فاصله از کرده خود پشیمان شود و درصدد جبران آن برآید. که در این صورت، حرمت

جایگاه تنبیه در تعلیم و تربیت (تهران: موسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، ۱۳۷۳) و حسینی زاده، سید علی تنبیه از دیدگاه اسلامی (حوزه و دانشگاه، ص ۴، ش ۱۴ و ۱۵، ۱۳۷۷، ص ۳۳-۲۳).

۲۴. مستدرک الوسائل ج ۹، ص ۱۴۴، حدیث ۷.

۲۵. همان، ص ۱۴۲ تا ص ۱۴۷، حدیث ۱ تا ۱۵.

و آبروی متربی محفوظ می‌ماند. به فرموده امیرالمؤمنین علیه السلام: شیوه برخورد ذات اقدس الهی با بندگان گناهکارش همین است (هر بنده‌ای که گناه می‌کند، خداوند به او هفت ساعت مهلت می‌دهد، اگر توبه کرد گناهی براو نوشته نمی‌شود).^{۲۶}

شاید دلیل این کار پروردگار این باشد که تا ممکن است نباید از تنبیه استفاده کرد تا جایی که ممکن است باید ترتیبی داده شود که متربی خود به اصلاح خویش بپردازد. و اگر چنین شود هدف تنبیه که همان اصلاح رفتار است تحقق می‌یابد و همین امر می‌تواند دلیل خوبی برای گسترش این فعل الهی به فعل مربی باشد.

۴- اطمینان از ارتکاب خطا

در اولین برخورد با متربی خطاکار، باید از درستی یا نادرستی انتساب جرم اطمینان یافت و سپس به تنبیه اقدام کرد. امام کاظم علیه السلام فرمود: چشم و گوشت را نسبت به آنچه از برادرت دیده و شنیده است، تکذیب کن اگر او برای تو سخنی گفت و پنجاه نفر علیه او قسم خورده و شهادت دادند، او را تصدیق و آن‌ها را تکذیب کن.^{۲۷}

۵- پذیرش عذر

اهمیت حفظ و کرامت انسان، هرچند خطاکار، اقتضاء می‌کند که مربی عذر متربی را بپذیرد، در روایات بر پذیرش عذر خطاکار تأکید شده است. از امام کاظم علیه السلام نقل شده است که اگر کسی در گوش راست شما چیز بدی گفت و در گوش چپ شما عذرخواهی کرد عذرش را بپذیرید. نتیجه این امر بستن پرونده گناه است که ثمراتش به مراتب بیشتر از زمانی است که پرونده باز باشد و به جرم رسیدگی شود. البته روشن است که صداقت و یا احتمال صداقت متربی در این عذرخواهی از شروط پذیرش عفو است.

۲۶. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۴، حدیث ۱۷.

۲۷. بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۱۴، حدیث ۱۱.

۶- اتمام حجت قبل از ارتکاب خطا
بر اساس حکم عقل و نیز سیره عاقلان مربی در صورتی می‌تواند به تنبیه متربی اقدام نماید که پیش‌تر اتمام حجت کرده متربی را از عاقبت سوء رفتارهای ناهنجارش آگاه کرده باشد در غیر این صورت، تنبیه قبح عقلی دارد و همین قبح مبنای برائت عقلی است. یعنی کسی که نمی‌دانسته عملی خطا است و آن را مرتکب شده است از نظر عقل چیزی براو نیست و مجازات وی زشت و قبیح است. ﴿... وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا﴾^{۲۸}

۷- تقبیح فعل نه شخصیت

در تنبیه، عمل ناهنجار متربی باید مورد نکوهش قرار گیرد، نه شخصیت او، یعنی نباید گفت تو آدم بدی هستی، بلکه باید گفت کار تو کار بدی است، امام باقر علیه السلام: به ابو حمزه که بی‌جهت چند کبوتر را سربریده بود فرمود: کار بدی انجام دادی، و سپس علت این تقبیح و

۲۸. اسراء، ۱۵.

مربی
نباید تمام
توان خود را در
تنبيه به کار گیرد و
حد نهایی را در این
امر اعمال کند

نکوهش را توضیح داد.^{۲۹}

۸- توجه به آگاهی مربی به خطا و میزان تنبيه آن

توجه داشته باشیم که میزان آگاهی و ناآگاهی مربی نسبت به زشتی عمل و نیز میزان تنبيه آن، در تعیین محدوده تنبيه مؤثر است. اگر مربی از زشتی عمل و تنبيهی که برای آن در نظر گرفته شده است آگاهی نداشته باشد تنبيه کردن وی جایز نیست. و نتایجی معکوس به دنبال خواهد داشت.

چراغ سبزی برای بازگشت

مربی نباید تمام توان خود را در تنبيه به کار گیرد و حد نهایی را در این امر اعمال کند به عبارت دیگر به هنگام تنبيه نباید تمام پل ها را خراب کرده به گونه ای که دیگر راه بازگشتی برای مربی باقی نماند. بلکه در هر مرحله باید محدوده و کیفیت آن به گونه ای باشد که اگر مربی پشیمان شد، امیدی به بازگشت و ایجاد رابطه مجدد با مربی داشته باشد.

۲۹. مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۲۸۳، حدیث ۱.

پیامدهای تنبيه

خلاصه این که تنبيه، به طور عام، و تنبيه بدنی به طور خاص، ممکن است پیامدهایی ذیل را در پی داشته باشد.

مربی در قبال این رفتار، رفتار نامطلوب دیگری را جایگزین کند، چراکه تنبيه، بیانگر رفتار صحیح نیست بلکه بیانگر نادرستی رفتاری است که از مربی سرزده است.

– مربی کینه مربی را بدل بگیرد و درصدد انتقام بر آید.

– مربی مطیع و سرافکنده، منفعل و فاقد روحیه انتقاد و اعتراض شود.

– نوعی خودکم بینی، گوشه گیری، احساس حقارت و در نهایت، افسردگی در مربی پدید آید.

– مربی، خشونت و پرخاشگری نسبت به دیگران را بیاموزد.

– ضررهای جسمانی جبران ناپذیری در اثر تنبيه نادرست پدید آید.

البته این آسیب ها در صورتی بروز پیدا می کند که مربی همواره از همین روش استفاده نماید و به قواعد و اصول اجرایی این روش آگاهی نداشته باشد، اما اگر در حد ضروری و با آشنایی کامل به اصول و قواعد آن به سراغ این روش برود، بی گمان چنین آثار سوئی در پی نخواهد داشت. برای مثال معرفی رفتارهای مطلوب و جایگزین کردن آن، آگاهی بخشیدن به مربی نسبت به زشتی عمل و بیان علت و حکمت تنبيه و... می تواند بروز آسیب ها را به حداقل برساند.^{۳۰}

۳۰. روش های آسیب زا در تربیت، محمدرضا قائمی مقدم، تلخیص از ص ۱۴۸ تا ص ۱۵۸.

منابع:

۱. جایگاه روش های تنبيه در تعلیم و تربیت، طرق التادیب، علی فائضی تهران، فیض کاشانی، ۳۷۵.
۲. چرا تنبيه، عبدالله مجوزی، تهران، سازمان انجمن اولیاء و مربیان، جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۵.
۳. نگرشی بر تعامل فقه و تربیت، علی همت بناری، انتشارات

موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره) ۱۹۷، علوم تربیتی.

۴. تربیت کودک در جهان امروز، احمد بهشتی، بوستان کتاب، ۱۳۷۷.

۵. آداب و آفات تربیت کودک و نوجوان، داوود سید میرزایی، سید علی شاهرخ، هادی قطبی، قم، احمدیه، ۱۳۸۵.

۶. نقش مادر در تربیت کودک، اسپنسر هامتون، مترجم نیا ز ظفری، تهران، کتابد زمانی، ۸۹۱۳.

۷. آموزش و تربیت کودک، محمد محمدی، تهران آردن، ۱۳۸۶.

۸. نسیم مهر – پرسش و پاسخ تربیت کودک و نوجوان (شبکه رادیویی معارف حسین دهنوی، قم، خادم الرضا علیه السلام، ۱۳۸۹).

۹. چهل حدیث – تربیت کودک و نوجوان، عبدالرحیم موگهی، قم، نشر معروف، ۱۳۸۸.

۱۰. تربیت کودک در جهان امروز، احمد بهشتی، ویرایش ۲، قم، حوزه علمیه قم (دفتر تبلیغات اسلامی) مرکز انتشارات، ۱۳۷۷.

امام رضا علیه السلام:

بر شما لازم است
با تمام کودکان خود
با احترام و ادب
رفتار کنید.

میزان
آگاهی و
ناآگاهی مربی
نسبت به زشتی
عمل و نیز میزان
تنبيه آن، در تعیین
محدوده تنبيه مؤثر
است

افقی

۱. جایی که طواف از داخل آن باطل است.
۲. دومین عمل حج - نیکان
۳. مساوی - ده
۴. مستحب است ولی به هم ریخته
۵. از فروع دین که قبل از حج باید به آن عمل کرد - از سبزیجات
۶. نوعی فلز - طبق دستور قرآن نباید به والدین گفت
۷. پرتاب سنگ و از اعمال حج - کام ناتمام
۸. عبور و مرور - دویدن بین صفا و مروه
۹. رهبری - لحظه‌ای
۱۰. از اذان صبح تا طلوع آفتاب حاجیان اینجا وقوف می‌کنند.

عمودی

۱. فاصله‌ی بین کعبه و مقام ابراهیم - بین حجر الاسود و کعبه
۲. ستم - خار و خاشاک - رعشه‌ی بی‌انتهای
۳. علامت مفعولی - طوافی که هنگام خروج از مکه مستحب است.
۴. برعکس استعفا - پشت و رو
۵. دشمن روز - شکوه - حرف فاصله
۶. پدر عرب‌ها - سید
۷. احرام واژگون - ماه خالص
۸. از اعمال روز نهم، وقوف در اینجا است - پسوند شباهت
۹. از ضمائ است - پوشاندنش در حج برای مردان کفاره دارد - همه‌ی ما عرب‌ها
۱۰. از طوایف ایرانی - او کعبه را بنا کرد

	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
۱											
۲											
۳											
۴											
۵											
۶											
۷											
۸											
۹											
۱۰											

تهیه کننده: فاطمه سیفی استاد گروه فقه و اصول